

پیام سندیکا



شماره ۴۹
سال ششم / مرداد ۹۵
نشریه سندیکاهای کارگری ایران

پیام سندیکا
پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

چاپی و الکترونیکی
فارسی و انگلیسی

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی
دوراستای تشکل و آگاهی برای کارگران

اصل ۱۴۲ قانون اساسی

دارایی رهبر یا اعضای شورای رهبری، رئیس جمهور،

وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت،

توسط دیوانعالی رسیدگی می شود که برخلاف حق

افزایش نیافته باشد.



اتحادیه
نیروی کار
پروژه ای

پیام سندیکا شماره

سرپیام

اطلاعیه های کارگری

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور

شرایط نایمن محیط کار کارگران عسلیویه و بی توجهی کارفرما

تبریک بخاطر آزادی عظیم زاده رضارخشان

بهرام حسنی نژاد، در گفت و گو با ایلنا

نارضایتی رانندگان حمل بار از پرداخت هزینه اضافی

من ریسم!! دکتر اسماعیل امینی شاعر، طنز پرداز

در راه آهن سراسری چه می گذرد؟

شعری از حمید مصدق

کیارستمی از دست رفت و فاجعه در بیمارستانها ماند!

تفاوت اندیشه ها و عملکردها

بیکاری، سرقت، اعتیاد همزاد هم هستند

خوردنی هایی که روزه را باطل نمی کند و هیچ پیگردی ندارد!

از حرف تا عمل

وقتی مسوولین قانون اساسی را زیر پا می گذارند!

بزرگترین اختلاس جهان در فنلاند!

وظیفه جنبش کارگری و پیشگامانش

برای مردی که قربانی گناه دیگران شد

از زنان سخت کوش بیاموزیم!

از کارگری تا فضا نورد شدن

خورن قاراخانیان مبارز خستگی ناپذیر سندیکای کارگران کفاش تهران

ماه عسل علی خانی به مذاق چه کسانی شیرین است؟

پیام سندیکا

ماهنامه خبری - تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری ایران
کاری از کارگران سندیکایی ایران
بر اساس منشور جهانی سندیکاهای کارگری
در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران
از مهر ۱۳۹۰ / چاپ تهران (جایی و الکترونیکی)



<http://vahedsyndica.com>
vsyndica@gmail.com
s_felezkar@yahoo.com
sfelezkar1961@gmail.com
www.sfelezkar.com
irunionmessenger@gmil.com

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

پیام سندیکا
ماهنامه خبری - تحلیلی کارگری

شماره ۲۹
پایان شهریور ۱۳۹۰
تیرماه سندیکایی کارگری ایران

اصل

دارایی رهبر یا اعضای شورای رهبری، رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط دیوانعالی رسیدگی می شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.

انجمن ملی سندیکایی ایران
انجمن ملی کارکنان دولت
انجمن ملی معلمان
انجمن ملی پرستاران
انجمن ملی دانشجویان
انجمن ملی فرهنگیان
انجمن ملی کادریان
انجمن ملی کارکنان دولت

سرپیام

«سرپیام این شماره را اختصاص داده ایم به جدیدترین حمله به دستاوردهای کارگری ایران در مجلس به دستور صندوق بین المللی پول نوشته کارگر ارزشمند ناصر آجاری»

۷ منطقه ویژه و ۱۲ منطقه آزاد با قید یک فوریت به تصویب مجلس رسید.

Kmkoomk.wordpress.com

دولت آقای روحانی که مدعی کاربردی کردن اقتصاد مقاومتی بود لایحه توسعه مناطق آزاد و ویژه را با قید یک فوریت به مجلس بردند و نمایندگان مجلس با تصویب آن مناطق بزرگی را از شمول قانون کار خارج کردند. یا به زبان ساده تر آنهایی که به اصطلاح با رای مردم برای خدمت به مردم انتخاب شدند با این مصوبه منافع بی قید و شرط دلال های کار را تامین کردند آن هم به قیمت نابودی خدمات درمانی برای کارگران و تامین اجتماعی و بازنشستگی آنها، تا منافع سرمایه داران وطنی و غربی پاسداری گردد و منافع مردمی که به آنها رای دادند لگد مال شود. دولت آقای روحانی درشتاب برای کاربردی کردن نولیبرالیسم از جناب احمدی نژاد هم سبقت گرفتند. بعید نیست همین روزها جایزه صلح نوبل را هم به توصیه صندوق بین المللی پول به ایشان بدهند.

با این مصوبه ۹۹ درصد کارگران ایرانی از شمول قانون کار خارج می شوند. خدمات درمانی سنوات و بازنشستگی در حیطه وظایف پیمانکاران

نخواهد بود. این مصوبه چراغ سبز دولت روحانی به شرکتهای بزرگ غربی است که بیایند و سرمایه گذاری کنند. ما اگر سرمایه های خود را در کشور خود هزینه کنیم نیازی به سرمایه گذاری دیگران نداریم جز در بخش هایی که باید تکنولوژی را باید وارد کنیم. همان گونه که پس از انقلاب کار تولیدی ما متوقف نشد در حالی که جنگ را هم بر دوش می کشیدیم. این بی خردی مشتی اقتصاد دان فراماسیونر نولیبرال است که با مشاوره هایی که در جهت منافع نهادهای سرمایه داری مالی جهانی است، ایران را به سوی ویرانی رانده اند. چون این مصوبات با قانون اساسی کشور ماده ۴۴ و ۴۵ در تضاد است بدین جهت این عمل کرد قانونی نیست و از اعتبار ساقط است. دولت و مجلس موظف هستند قانون اساسی را کاربردی کنند و حق دور زدن یا تصویب موادی که در چارچوب قانون اساسی نمی گنجد را ندارند. ما از همه ی کارگران و سازمان ها و سندیکا های مستقل کارگری انتظار داریم هماهنگ با هم به این مصوبه و به صورت کلی با روند قانون زدایی دولت های پس از جنگ اعتراض نمایند.

اتحادیه نیروی پروژه ای کارایران ۲۹ تیرماه ناصر آقاجری

«سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ضمن پشتیبانی همه جانبه از این اطلاعیه، اعلام می کنیم سندیکای کارگران فلزکارمکانیک در این مورد همگام با اتحادیه نیروی پروژه ای کار ایران به این اقدام ضد قانون اساسی اعتراض کرده و جهت لغو آن اقدام خواهد کرد»

۳۰ تیرماه ۱۳۹۵

نامه سرگشاده به رییس جمهور دکتر روحانی

با توفان افشای دریافتی های نجومی و خارج از قانون مدیران رده بالای دولتی که از طرف مزدبگیران جامعه در اعتراض به فاصله غیرقابل باور سطوح دریافتی انجام شد و از طرف زحمتکشان و کاربران فضای مجازی با انتشار آن در سطح جامعه و حساس کردن طبقه زحمتکش به این بی عدالتی و بی قانونی، باعث شد از معاون خود بخواهید عکس العمل لازم را به این بی قانونی نشان دهد. فقط همین چند مدیر بانکها که فیش حقوقی اشان افشا شد بیش از یک میلیارد تومان ماهانه حقوق گرفته و بیش از دهها میلیارد تومان وام های بی ضابطه گرفته اند. که از تیر ماه در خزانه خواهد ماند.

آقای روحانی، اگر همانطوری که قانون مصوب کرده است و باید فاصله کمترین حقوق و بالاترین حقوق دریافتی بیش از ۷ برابر نباشد، می بایست بیشترین حقوق کمتر از ۷ میلیون باشد. ما با این افشاگری به شما این امکان را دادیم که دریافتی ها و وام های غیر ضرور و بی ضابطه بیش از ۳۰۰۰ کارمند دولتی بازنگری شود، بخصوص در کارخانه های زیر مجموعه تامین اجتماعی (شستا)

آقای روحانی، اگر فقط هر کدام از این افراد بطور متوسط فقط ۱۰ میلیون اضافه دریافت داشته باشند (که می دانیم بیش از این است) با جلوگیری از این دریافتی ها، پاداش ها، وام های بی ضابطه حداقل ۳۰ میلیارد تومان ماهانه به خزانه دولت برگردانیده شده و می توان به مصارفی همچون پرداخت ۲۰ هزار تومان حق مسکن ماهانه کارگران و یا ساخت ۶۰ مدرسه در هرماه و یا بهداشت عمومی را رایگان نمود. و یا به کودکان کار و کارتن خواب ها که با سیاست های اقتصادی ۳۵ ساله به این روز افتاده اند، اختصاص داد.

آقای روحانی، چنانچه بخواهید رویکردی مردمی داشته باشید می توان به روند شفاف سازی ادامه داد.

شما به خوبی می دانید و وزارت اطلاعات زیر مجموعه شما هم از آن اطلاع دارد که قاچاقچی های بزرگ در کجا لانه کرده اند، وام های میلیارد دلاری به چه کسانی اختصاص می یابد، کدام بنیادها و شرکت های غیردولتی از دادن مالیات فرار می کنند، اسکله های بدون مجوز در اختیار چه گروههای مافیایی است، سلطان ها چه کسانی هستند که به اقتصاد ایران فرمانروایی می کنند ،

ما به شما پیشنهاد می کنیم ، برای اینکه اقتصادی مستقل داشته باشید شفافیت مالی را در همه ارکان اجرایی کنید. با فرستادن بازرسان پاک دست نگذارید هیچ ارگانی از این شفافیت مالی بگریزد. مالیات را نه از فقرا بلکه ثروتمندان که از منابع این کشور استفاده می کنند باید گرفت. هرگونه قراردادهای اقتصادی که به صنعت و خدمات اجتماعی ضربه می زند را ممنوع اعلام کنید. شما می توانید منابع مالی زیادی را در اختیار بگیرید، اگر به این موارد که نص صریح قانون اساسی است ، رجوع کنید.

اگر می خواهید فساد ریشه کن شود، حیف و میل ها ، رانت خواری، جلویش گرفته شود کافی است شما از مردم بخواهید تا چشمان تیز بین شما باشند و فساد را در هر کجا و مقام افشا کنند و صد البته اراده ای برای برخورد با این بی قانونی ها باشد.

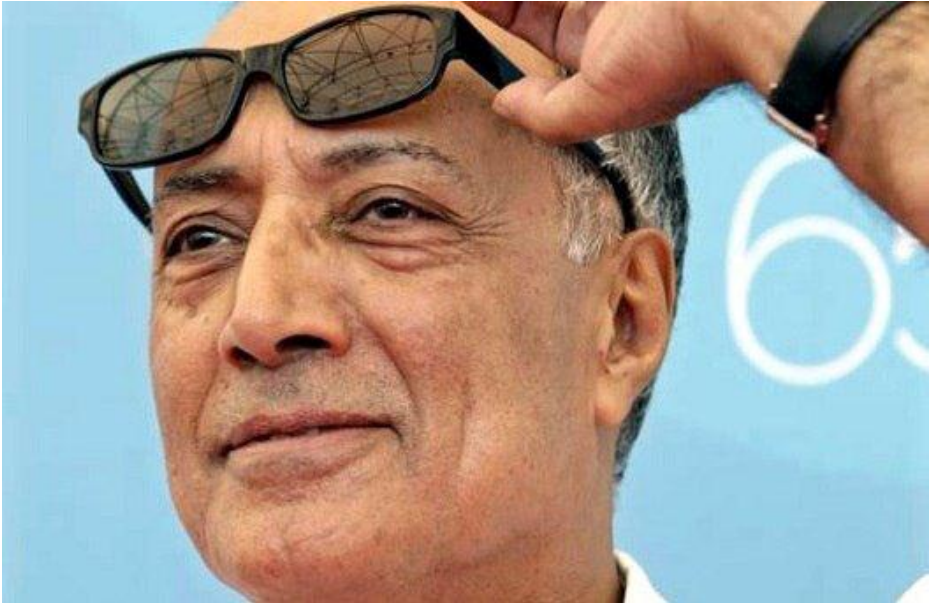
آیا اراده ای برای برخورد با این ظلم آشکار هست؟

تصمیم بگیرید امیرکبیر و دکتر مصدق شاید جان در راه آرمان خود نهادند اما در اذهان مردم و تاریخ ایران زمین ماندگار شدند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۹۵/۴/۱۴

بیانیه‌ی کانونِ نویسندگانِ ایران به مناسبت درگذشت عباس کیارستمی



کیارستمی از برجسته‌ترین فیلمسازان ایران و جهان بود که سبک و زبان خاص خود را پیدا کرد و توانست مفاهیم بزرگ انسانی و فلسفی را با زبانی ساده و نگاهی شاعرانه به مخاطبان خود انتقال دهد...

عباس کیارستمی (۱۳۹۵-۱۳۱۹) فیلمساز، فیلم‌نامه‌نویس، شاعر، نقاش و عکاس مستقل ایرانی درگذشت.

کیارستمی از برجسته‌ترین فیلمسازان ایران و جهان بود که سبک و زبان خاص خود را پیدا کرد و توانست مفاهیم بزرگ انسانی و فلسفی را با زبانی ساده و نگاهی شاعرانه به مخاطبان خود انتقال دهد.

وی از سال (۱۳۴۹) در عرصه‌ی سینما شروع به فعالیت کرد و بیش از چهل فیلم سینمایی، کوتاه و مستند ساخت.

از تاثیرگذارترین آثار او می‌توان به سه‌گانه‌ی "کوکر، کلوزاپ" (۱۳۶۹) "طعم گیلان" (۱۳۷۶) "باد ما را با خود خواهد برد" (۱۳۷۸) و "کپی برابر اصل" (۱۳۸۹) اشاره کرد.

کیارستمی برنده چند جایزه بزرگ سینمایی شد که مهم‌ترین آن‌ها نخل طلای جشنواره‌ی فیلم "کن" برای فیلم "طعم گیلان" در سال (۱۳۷۶) بود.

او پیش از این نیز پنج بار نامزد دریافت نخل طلای جشنواره‌ی فیلم "کن" شده بود.

فیلم‌ها و بیشتر آثار او پس از انقلاب پیوسته در محاق سانسور قرار گرفت و به ندرت اجازه‌ی اکران پیدا کرد.

در سه دهه‌ی اخیر به رغم اکران فیلم‌ها و مصاحبه‌های پرشمار او در سینماها و شبکه‌های مختلف رادیو تلویزیونی جهان، هرگز صدا و سیمای ایران از او فیلم یا مصاحبه‌ی مستقلی پخش نکرد.

کانون نویسندگان ایران درگذشت عباس کیارستمی شاعر سینما را به خانواده و دوستان او و جامعه‌ی هنری مستقل تسلیت می‌گوید.

کانون نویسندگان ایران

بدرود عباس کیارستمی

تو رفتی، اما باز هم بعد از تو به دنبال خانه دوست خواهیم گشت و اورا بی تردید خواهیم یافت. باز هم بعد از تو عشق در زیر درختان زیتون شکوفه خواهد کرد و دلداگان به سادگی، عشق را معنا خواهند بخشید. مشق شب مان را به درستی خواهیم نوشت نه آنگونه که آموزش دولتی برایمان دیکته می کند.

تو همیشه با ما بودی و زندگیمان را درد مندانه به تصویر کشیدی و بودن با مردم را افتخار دانستی. تو زبان صلح و عشق ایرانیان در جهان بودی و سرفرازیم که چنین فرزندی را به فرهنگ و ادب جهان تقدیم کردیم.

تو می دانستی و باور داشتی که عشق مردم تهدیدستی که هرگز امکان دیدن فیلم هایت را نداشته اند با توست. بگذار تو را به خاطر یک بوسه بیازارند، اما عشق مردم کشورت و جهان به تو و فیلم هایت را چه خواهند کرد؟ و فردا از دستان میلیون ها ایرانی نخل های عشق و غرور را دریافت خواهی کرد.

تاریخ به ما آموخته، حاکمان آمده اند و رفته اند اما مفاخر علمی و فرهنگی همچنان در حافظه تاریخی مردم باقی مانده اند.

عباس جان، همه اعضا و دوستداران سندیکای کارگران فلزکار مکانیک برای آخرین دیدار با تو خواهند آمد.

دریغ و درد از این بدرود.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ۱۹ تیر ۱۳۹۵



زنده باد اتحاد ، زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

امروز در ساعت ۸ شب رفیقمان جعفر عظیم زاده به ماراتن اعتصاب خود پایان داد.

ما ضمن خوشحالی و تبریک به او و همه کسانی که در این مدت به این ظلم آشکار اعتراض کردند ، اعلام می کنیم هم چنان به عهدی که با زحمتکشان ایران برای دفاع از حقوق انسانی و کارگرمان بسته ایم وفاداریم و مبارزه همچنان ادامه دارد .

ما از خواهران و برادران خود در فدراسیون جهانی ایندستریال بزرگ و فدراسیون سراسری فلزکاران آلمان AG متال و سندیکا‌های انگلیس و سازمان کودیر که به درخواست ما مبنی بر حمایت از مبارزات زحمتکشان ایران پاسخ مثبت دادند و از مبارزات مان در اعتراض به امنیت کردن فعالیت های کارگری درود می فرستیم و برهمبستگی بین المللی با این دوستان تاکید میکنیم.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

ساعت ۱۰ شب ۱۰ تیرماه ۱۳۹۵

بیانیه کنفدراسیون جهانی سندیکاها، اینداستریال، درباره سرکوب کارگران در ایران:

کارگران شلاق می‌خورند و زندانی می‌شوند!



در حالی که یکی از فعالان سندیکایی برجسته ایران در زندان دست به اعتصاب غذا زده است، در ماه مه گذشته هفده کارگر را نیز در معدن طلاق آق‌درّه در ایران در ملأ عام شلاق زدند.

کارگران معدن طلای آق‌درّه واقع در شهر تکاب در شمال‌غرب ایران را به خاطر اعتراض به بیکار کردن ۳۵۰ تن از همکارانشان به شلاق بستند. هر یک از کارگران بین ۳۰ تا ۹۰ ضربه شلاق خورد. کارفرمای معدن به علت اقدام اعتراضی کارگران از آنها شکایت کرده بود، و حکم شلاق توسط نیروهای امنیتی اجرا شد.

۹ کارگر دیگر در معدن سنگ‌آهن بافق نیز به جرم شرکت در اقدام اعتراضی در سال ۲۰۱۴ [دو سال پیش] به شلاق خوردن محکوم شدند.

شلاق زدن کارگران بخشی از روند سرکوب فزاینده فعالان سندیکایی و فشار بر آنهاست. از آنجا که سندیکا‌های مستقل در ایران سرکوب شده‌اند،

اینداستریال در آن کشور هیچ سازمان وابسته‌ای ندارد، اما از ایجاد سندیکاهای مستقل حمایت می‌کند.

جعفر عظیمزاده، جوشکار و رهبر اتحادیه آزاد کارگران ایران، به علت فعالیت‌های سندیکایی‌اش و سازمان‌دهی طوماری که به امضای چهل‌هزار کارگر رسید، در ماه نوامبر سال گذشته با حکم شش سال حبس، به زندان انداخته شد. جرم او «تهدید علیه امنیت ملی» بود.

آقای عظیمزاده برای شرکت در کنفرانس ۱۰۵ سازمان بین‌المللی کار در ژنو در ماه ژوئن ۲۰۱۶ به عنوان نماینده کارگران انتخاب شده بود، اما به علت زندانی بودن قادر به شرکت در این کنفرانس نشد، و در عوض، نمایندگان سازمان‌های کارگری تحت کنترل دولت را به این کنفرانس فرستادند.

او [عظیمزاده] در روز ۲۹ آوریل ۲۰۱۶ در اعتراض به سرکوب کارگران ایرانی دست به اعتصاب غذا زد. نگرانی‌های جدی‌ای در مورد وضعیت سلامتی او وجود دارد.

شمار دیگری از فعالان کارگری، مانند رضا شهابی، از رهبران سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (واحد) نیز در زندان‌اند، و شمار دیگری به دادگاه انقلاب فراخوانده شده‌اند، که کار آن رسیدگی به پرونده‌های مربوط به اغتشاش است.

ایران پس از مذاکراتش بر سر برنامه هسته‌یی‌اش، «برجام» را امضا کرد که آن را «توافق هسته‌یی» هم می‌نامند. نتیجه این توافق، برداشتن تحریم‌ها و ورود سرمایه خارجی به ایران است. این روند موجب بی‌ثباتی شده است، به طوری که اخیراً کارخانه لوازم خانگی ارج که سابقه تولیدی طولانی‌ای در ایران دارد، ورشکسته شد و بسیاری کارشان را از دست دادند.

سندیکاهای ایرانی بر این باورند که اکنون، پس از دیدار اخیر نمایندگان صندوق بین‌المللی پول از ایران، شدت گرفتن سرکوب‌ها به این دلیل است که نیروی کار مطیع‌تری برای سرمایه‌گذاران خارجی پدید آورند.

در بیانیه‌ای که سندیکای فلزکار-مکانیک ایران هم‌زمان با برگزاری کنفرانس سازمان بین‌المللی کار منتشر کرد، آمده است: «شلاق‌های صندوق بین‌المللی پول بر پشت کارگران و صنایع تولید ما وارد می‌شود.»

یورکی راینا، دبیرکل اینداستریال، اظهار داشت:

«سندیکای جهانی اینداستریال شلاق زدن وحشیانه ۱۷ کارگر معدن طلای آق‌درّه در ماه مه را به شدت محکوم می‌کند. معدنکاران در اعتراض به اخراج‌ها از حق قانونی خود استفاده کرده‌اند و خواستار امنیت شغلی بودند. ۹ کارگر دیگر در شرکت معدن بافق در استان یزد نیز در روزهای اخیر به زندان و ده‌ها ضربه شلاق محکوم شده‌اند. چنین محکومیت‌های غیرانسانی‌ای علیه کارگران، نقض فاحش پیمان‌های شناخته‌شده بین‌المللی حقوق کار و حقوق بشر است. به این ترتیب، ضروری است که دولت ایران برای پایان دادن به نقض فاحش حقوق سندیکایی و حقوق بشر، از قبیل شلاق زدن معدنکاران در معدن طلای آق‌درّه و معدن بافق، بی‌درنگ مداخله کند.

ما از این فرصت استفاده می‌کنیم و از دولت ایران می‌خواهیم که پیمان‌های ۸۷ در مورد آزادی تشکل و دفاع از حق تشکل، و پیمان ۹۸ در مورد حق تشکل و چانه‌زنی دسته‌جمعی را تصویب کند.

شما می‌توانید اصل این اطلاعیه به انگلیسی را در سایت دو زبانه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به آدرس sfelezkar.com مشاهده کنید.

جعفر عظیم زاده باید آزاد شود!

با توجه به وخامت وضع جسمانی جعفر عظیم زاده بعد از ۵۰ روز اعتصاب غذا و بستری شدنش در بیمارستان سینا مقام های رسمی باید با پاسخ به خواست های قانونی و منطقی این فعال کارگری به این شرایط که می تواند به یک فاجعه انسانی منتهی شود، نقطه پایان بگذارند. جعفر عظیم زاده در اعتراض به امنیتی کردن تلاش های کوشندگان صنفی در حفاظت از دستاوردهای کارگريشان، دست به اعتصاب غذا زده است. خواست جعفر عظیم زاده در رابطه با اینکه اتهام او را «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور» اعلام کرده اند، اینست که آن را ملغی کنند. او یک فعال سندیکایی است و به «جرم» فعالیت های سندیکایی اش در زندان است.

در اجلاس هیات اجرائیه کنفدراسیون سندیکایی «اينداستریال» که در خرداد ماه جاری در آلمان برگزار شد، به پیشنهاد سندیکای فلزکارمکانیک ایران مسئله برخورد امنیتی مقامات ایرانی با کوشندگان سندیکایی مطرح شد و خواسته کارگران ایران مبنی بر اینکه دولت فعالیت سندیکاهای کارگری در ایران را رسماً بر اساس مقوله های جهانی به رسمیت بشناسد و اجرایی شدن آن را تضمین کند، مورد توجه قرار گرفت. رهبری اینداستریال به نمایندگی از طرف ۵۰ میلیون اعضای خود در این اجلاس مصوب کرد که در این رابطه با یک کارزار بین المللی موثر دولت ایران را مجبور به اجرای مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار بکند.

در کنفرانس سالیانه یونیسیون هم که در روزهای اخیر در شهر ساحلی برایتون در جنوب شرق انگلستان برگزار می شود فعالان حقوق بشر و کوشندگان مدافع حقوق سندیکایی در ایران کارزار وسیعی را سازمان داده اند. در پاسخ به درخواست کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر) در همین

رابطه در روز اول کنفرانس یونیسون که با یک میلیون و سیصد هزار نفر عضو بزرگترین سنیکای کارگران بخش دولتی و عمومی است، آقای «دیوید پرنیتیس»، دبیر کل، در سخنرانی افتتاحیه خود در جلسه گردهمایی بین المللی کنفرانس که با حضور همه مهمانان بین المللی و نمایندگان کنگره برگزار شد، به اعتصاب غذای طولانی جعفر عظیم زاده، وضعیت نگران کننده فیزیکی و سلامت او و خواست های قانونی او اشاره کرد. آقای پرنیتیس از مقام های دولت خواست که جعفر عظیم زاده را از زندان آزاد کند.

دبیر کل یونیسون همچنین حمایت پیگیر سنیکای خود را از مبارزه کارگران ایران برای حقوق حقه خود اعلام کرد و همبستگی سنیکای خود با کارگران و فعالان سنیکایی زندانی ایرانی را مورد تاکید قرار داد.

سنیکای کارگران فلزکار مکانیک قدردانی خود از کوشندگان دفاع از حقوق سنیکایی، نهاد های سنیکایی بین المللی و همچنین از «کودیر» در رابطه با انعکاس پیگیر اخبار کارگری ایران و سازمان دادن کارزارها و تلاش های بین المللی در رابطه با مشکلات و مبارزات برحق کارگران ایران اعلام می دارد.

ما همه کوشندگان کارگری، سندیکاهای کارگری و همبستگان بین المللی جنبش کارگری ایران را فرا می خوانیم که با ، هماهنگ کردن و گسترش فعالیت هایمان همه باهم تلاش کنیم ، که امکان تحقق آزادی ها و حقوق سنیکایی را فراهم کرده و جعفر عظیم زاده هم، آزاد و سلامت به آغوش خانواده اش برگردد.

سنیکای کارگران فلزکار مکانیک اول تیرماه ۱۳۹۵

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارشی از آتش سوزی در پتروشیمی بوعلی سینای ماهشهر :

کارشناسان دولتی موضوع این آتش سوزی را به نشستی از یک شیر تقلیل می دهند. آنچه سالهاست سندیکای کارگران فلزکار مکانیک بر آن تاکید داشته است موضوع ورود دلالان به عرصه های استرانژیک صنعتی است. خرید شیرهای بی کیفیت از دلالان و توصیه های مافیای رخنه کرده در اقتصاد و دولت جهت نصب این گونه شیرها بر روی مخازن که باعث هدر رفتن میلیون ها دلار از مواد پتروشیمی شد. و تنها به این ختم نشده بلکه باعث آلوده تر شدن محیط زیست نیز گشت.

آیا نباید در این گونه خریدها کارشناسان خبره و پاک دست وزارت نفت کیفیت کالاها را تایید و سپس نصب و راه اندازی شود تا از این گونه فجایع جلوگیری شود؟ بی مبالاتی ها در خریدها ، و نصب این شیرها توسط کارگران غیرحرفه ای، سالهاست که برای کم کردن هزینه ها و پر شدن جیب دلالان از سیاست های روزمره در صنایع شده است. اگر به این روند نقطه پایانی گذاشته نشود این آخرین حادثه نخواهد بود.

امید که با این تذکر گویی برای شنیدن وجود داشته باشد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن اصفهان:



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- با درج مشکلات کارگران ذوب آهن در نشریه پیام سندیکا، با خبر شدیم دستگاه آب سرد قسمت آهنگری از طریق مدیریت انرژی و بهینه سازی سوخت در دست تعمیر بوده و به زودی نصب و راه اندازی می شود.

۲- رختکن ساختمان ۵۱ که تعمیر آن هزینه اضافی به شرکت تحمیل می کرد ، با هماهنگی های انجام شده ، کارگران قسمت نسوز می توانند از رختکن فولاد سازی استفاده کنند.

۳- یکی از مشکلات شرکت ذوب آهن وجود کالاهای راکد در انبار ها به مدت بیش از دو سال است که در حال حاضر ۵۰ درصد کالاهای موجود انبار را شامل می شود. کاش به جای سفارش مجدد ، از کالاهای راکد استفاده گردد که هم این کالاها مصرف شود و در انبار بی مصرف باقی نمانند و هم اینکه در هزینه های شرکت صرفه جویی شده و این هزینه ها به بازسازی و نوسازی و خدمات دهی به کارگران مورد استفاده قرار گیرد.

۴- در خبرها آمده بود که وزیر راه خرید ریل از هند را در دستور کار قرار داده است. با توجه به وعده مدیرعامل ذوب آهن آقای صادقی و امضای

موافقتنامه شرکت ذوب آهن با وزارت راه در رابطه با خرید ریل از ذوب آهن، این خلف وعده را چگونه تفسیر کنیم؟ آیا چراغی که به خانه رواست به هند حرام نیست؟ با توجه به کیفیت ریل های تولیدی در ذوب آهن به دست توانای کارگران شرکت این خرید از هند باعث ضرر دهی این کارخانه مادر و در نهایت ورشکسته شدنش با این حرکت ضدملی نخواهد شد؟

خواسته های کارگران ذوب آهن از مدیریت

- ۱- صرفه جویی و کاهش هزینه ها در شرکت ذوب آهن و فولاد نباید شامل امکانات رفاهی، پادش کارگران، اضافه کار کارگران و کارکنان باشد
- ۲- مدیرعامل جهت اشراف به مشکلات کارگران و همچنین دریافت نظرات کارگران برای بهره وری و کم شدن هزینه ها به کارگاهها آمده و از نزدیک با کارگران صحبت کند.
- ۳- مشکلات زندگی ما را به اضافه کاری وادار می کند، چرا که دستمزدهایمان کفاف خرج زندگیمان را نمی دهد. اگر این مشکلات نبود با این حجم آلوده گی و سختی کار به اضافه کاری فکر نمی کردیم.
- ۴- شرکت برای آنکه از هزینه هایش کم کند از استخدام کارگر جدید خوداری کرده و در نتیجه کارگران شاغل برای رفتن به مرخصی مشکل دارند چرا که نیروی جایگزین وجود ندارد.

۵- تعداد زیادی از کارکنان و کارگران که با مدارک کارشناسی و کاردانی در حال حاضر مشغول کار هستند، به دلیل شرایط استخدامی در گروههای پایین شغلی کار می کنند. شایسته است که وضعیت دستمزدهایشان ارتقا پیدا کند.

۶- لوازم حفاظت فردی در شرکت بسیار نازل و گاه کم است . آلودگی و شرایط کاری می طلبد که بخش ایمنی وظایف خود را به خوبی انجام داده و از دادن لیست لوازم حفاظتی خوداری نکند به دلیل اینکه وضعیت مالی شرکت خوب نیست. بودن لوازم حفاظتی و استفاده کارگران از آن باعث کاهش حوادث کاری شده و باید در نظر داشت جان کارگران از همه چیز مهمتر است.

۷- دولت چرا به ذوب آهن مانند دیگر شرکت ها یارانه پرداخت نمی کند؟ در صورتی که دیگر شرکت های دولتی از این یارانه برخوردارند. این موضوع باعث شده شرکت ذوب آهن دستمزد و سایر مزایای کارگران را کاهش دهد.

۸- چرا مدیریت از مدیران قبلی به دلیل سو مدیریت و ورشکسته کردن شرکت شکایت نمی کند؟

خواسته های کارگران کوره بلند ذوب آهن اصفهان :

۱- با وجود ویلاهای انزلی و چادگان که متعلق به شرکت ذوب آهن است چرا باید برای استفاده از این مکان های تفریحی هزینه پرداخت کنیم؟ در صورتی که باید این هزینه ها را افرادی که کارگر و یا جزو کارکنان ذوب آهن نیستند و از این امکانات اسفاده می کنند ، دریافت کرد.

۲- چرا از نمایندگان کارگران در جلساتی که در مورد مشکلات کارگران برگزار می شود دعوت نمی کنید تا از حقوق کارگران دفاع کنند

۳- بعضی از کارگرانی که قرارداد معین دارند و سمت کارگر ساده را دارند در بخش های تخصصی مشغول به کارند. چرا؟ اگر متخصص هستند چرا حقوقشان باید پایمال شود و به عنوان کارگر ساده استخدام شوند؟

۴- چرا صرفه جویی شرکت از قسمت هایی که هزینه های بالا دارند شروع نمی شود مانند هزینه هایی که دفاتر مدیران دارند؟ از جمله ایاب و ذهاب، پذیرایی، اضافه کاری های آنچنانی، وام، پاداش....

۵- چرا سختی کار کارگرانی که در آتشکارهای کوره بلند کار می کنند و سنوات شان مورد بازبینی دوباره قرار نمی گیرد؟

۶- کارگران شاغل در بونکر های کوره بلند با آلودگی زیاد هوا و سرو صدا مداوم مواجه هستند. متاسفانه با اینکه بارها به مسولین گفته شده هنوز هواکش ها خرابند

۷- ما خواستار نصب و راه اندازی یک آسانسور برای کوره ها هستیم تا مشکل پله های زیاد که باعث خستگی و آرتروز می شود را نداشته باشیم

۶- با اینکه بارها در ابطه با سرموقع پرداخت شدن دستمزدها به مسولین اعتراض کرده ایم هنوز این مشکل همچنان پابرجاست.

« با تشکیل سندیکاهای کارگری در کارخانه های بزرگی همچون ذوب آهن ، کارگران بهتر می توانند خواسته های خود را پیگیری و به نتیجه برسانند »

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو :



با توجه به تلاش شبانه روزی کارگران ایران خودرو قیمت گذاری انجام شده توسط مدیریت بر روی خودروها شگفت انگیز است. اختلاف قیمت هزینه تولید تا مبلغ فروش بسیار زیاد است. که متأسفانه مدیریت ایران خودرو سود این قیمت گذاری گزاف را نه به بازسازی و یا نصب دستگاهای جدید تخصیص می دهند که ایمنی بیشتر برای کارگر داشته باشد و نه اینکه سنسورهای حفاظتی برای ایمنی بیشتر کارگران نصب می کنند.

این اختلاف قیمت از تولید تا فروش که بیش از ۸۰ درصد قیمت خودرو را شامل می شود نه به جیب کارگران می رود ، نه بدهی شرکت به قطعه سازان پرداخت می شود. کارگران می پرسند آیا قیمت گذاری های عجیب و غریب برای آن نیست که مدیران شرکت ایران خودرو ، درآمدهای نجومی ماهیانه ۱۰۰ میلیون به بالا و پاداش های آنچنانی داشته باشند؟ و یا بخشی از این سود برای صدها نفر کسانی که فقط نامشان در لیست حقوق های بیش از ۵ میلیون تومان است و هرگز به شرکت نمی آیند و معلوم نیست چه کاره هستند و این حقوق به چه دلیل به آنها پرداخت می شود؟ چرا کارگرانی که بیش از ۱۰ سال سابقه کار در شرکت دارند و باید قرارداد هایشان رسمی شود دو سال است دیگر استخدام رسمی نمی کنند؟ آیا به این دلیل نیست که با رسمی شدن این کارگران کمی هزینه های شرکت بالا رفته و آقایان باید حقوق هایشان را کم کنند؟

اخبار کارگری شرکت واحد به گزارش خبرنگاران نشریه پیام سندیکا:



به نام دادگر

۱- در مطلب گنجانده شده در کانال شوراهای اسلامی کار شرکت واحد ، می بایست نکاتی به سمع و نظر مخاطبین محترم ارائه شود. اگر دوستان به حافظه خود در سال ۱۳۸۴ رجوع کنند بگویند که چگونه در مجموعه بزرگی مثل شرکت واحد اعتصاب صورت گرفت؟ آیا ۱۷۵۰۰ نفر از شاغلین اون سال بی دلیل دست به این کار بزرگ زدند؟ دستگیری و به زندان افتادن بیش از ۳۰۰ نفر کارگر بیگناه به زندان اوین و اخراج آنها بدون برگزاری کمیته انضباط کار ، حاصل ناجوانمردی چه کسانی بود؟ متلاشی شدن کانون زندگی برخی از کارگران، یورش شبانه عوامل پلیس در منزلهای کارگران، زدن گاز اشک آور به چشمان بچه ۴ ساله، حمله چماغ بدستان به محل سندیکا در خیابان خیام، دستگیری کارگران در پارک لاله و پارک سوار آزادی در روز کارگر، فوت برخی از اعضای خانواده های کارگران در مسیر رفت و برگشت زندان و دادگاه،،،،،،،،،، محصول خرابکاری های کدام گروه در شرکت واحد می باشد؟ عدم استقبال کارگران و پرسنل سامانه های ۱ و ۹ شرکت واحد از انتخابات شوراهای فرمایشی در دو دوره، آنها با تمام ابزارهایی که در اختیار کارفرما بود، برای چیست؟ آیا آخرین باری که مجمع عمومی برگزار کردید را بیاد دارید؟ چه زمان برای جمع آوری امضاء جهت گرفتن حق و حقوق پرسنل در میان کارگران حضور داشتید؟ کدام مرتبه مقابل

وزارت کار ، شورای شهر و شهرداری برای گرفتن حق و حقوق کارگران پا پیش گذاشتید؟ آیا اصلا سهامت چنین کاری را دارید؟ اصلا اجازه این کار را عوامل کارفرما بشما می دهند؟ کدام یک از شما تا بحال از سمت و موقعیتش استعفاء داده؟ بهتر است به اندک مخاطباتان بگوئید کدام یک از اعضای شوراها در شغل قبلی خود ماندگار بوده اند؟ کدام فرد از شماها از ابتدای ترین ماده های قانونی آشنائی دارند؟ بگوئید چگونه پشت یکی از اعضاء خود در اداره مرکزی را خالی نمودید؟ آخرین باری که بصورت یک هفته در محل کار خود جوابگوی کارگران را بودید را بیاد دارید؟ می توانید از پشت پرده آن راننده سامانه ۵ که چهار روز مانده به برگزاری کمیته انضباط کارش که امضاء اخراجش را کلید زدید، را بیان کنید؟ دلیل آن کارگری که رئیس ۳ شغله کمیته انضباط مرکز و مدیرعامل شرکت واحد را که به گروگان گرفته بود، چه بود؟

لطف نموده بیشتر از این به شعور بالای کارگران توهین ننمائید و در خلوت خود به آنچه که در گذشته کاشتید و الان در حال درو کردنش هستید، کمی فکر کنید.

باشد که تاریخ در مورد شماها قضاوت نماید.

۲- با فرارسیدن ماه مبارک رمضان طی دوران گذشته از طرف کارفرما بسته های خوراکی جهت افطار بین پرسنل عصرکار توزیع می گردد. در یک دستور غیر کارشناسی مسئولین سامانه یک تحویل بسته های خوراکی از ساعت ۱۸ الی ۲۰ تحویل رانندگان می گردد که این موضوع با اعتراض عموم رانندگان مواجه شده است. در خبرهای گذشته از مشکلات طولانی بودن صف اتوبوسها گزارشی تهیه شد که متاسفانه تا امروز این موضوع حل نشده است معضل برای دریافت بسته های خوراکی ها به مشکلات اضافه گردیده

است. طی گزارشهای رسیده از رانندگان در صف انتظار برداشت مسافری در پایانه آزادی که می‌بایست در ساعت ۱۸ پس از برداشت مسافر به سمت تهرانپارس حرکت مینمود متأسفانه بعلت معطلی در صف اتوبوسها ساعت ۱۹:۲۰ آزادی را به مقصد تهرانپارس طی کرد و در حالی که برای گرفتن بسته‌های خوراکی مراجعه مینماید با تعطیلی مرکز فوق مواجه میشود. لازم بذکر است تعدادی از رانندگان نیز با زبان روزه با همین مشکل روز خود را گذراندند.

انشاء الله طاعات مسئولین با تصمیمات این چنینی حتما مورد قبول خداوند قرار می‌گیرد.

۳ - طی اعلام شهردار تهران در سالیان گذشته مبنی بر خدمات دهی زائران کربلا، همه ساله از طرف شرکت واحد رانندگان با کلی وعده از طرف مسئولین جهت جابجائی مسافران بدان جا اعزام و پس از برگشت خبری از پرداختهای مسئولین در میان نبوده و در حالیکه رانندگان جهت احقاق حقتشان اعتراضاتی میکردند با دعوت آنها به صرف نهار سر و ته قضیه را حل میکردند. پاداشها همچنان در جیب مدیران مناطق میرفت. در سال گذشته پرسنل اعزامی به کربلا طی دستورات مسئولین پس از گرفتن پاسپورت (آنهم در ساعت غیر کاری) جهت رفتن به کربلا اعزام شدند. پرسنل اعزامی که میبایست بیشترین نفراش از رانندگان تشکیل میشد، طی سالیان گذشته نور چشمی‌های آقایان مسئول به همراه بردن زائرین بوده‌اند. این افراد که اطلاع کافی از سفرهای برون مرزی نداشته‌اند، رانندگان خروج خود را نزده و پس از بازگشت ورود خود را ثبت نمودند. طی اطلاع یکی از همکاران، یکی از رانندگان قصد یک سفر شخصی را داشته که در فرودگاه عوامل مستقر در آنجا ایشان را احضار نموده و در آنجا پس از پیگیری مشخص شد که مشکل از طرف مسئولان شرکت واحد میباشد. با دریافت نامه از شرکت به

دادگاه و گوئی واریز مبلغ ۱۵۰ هزار تومان بعنوان جریمه از طرف راننده بعلت خروج غیر قانونی مشکل برای فرد مذکور حل شد. متأسفانه این معضل همچنان برای دیگر پرسنلی که به کربلا اعزام شدند همچنان باقیست و میبایست از وقت شخصی خود با پرداخت جریمه مشکل بوجود آمده را حل نمایند.

۴ - طی گزارش رسیده از رانندگان سامانه ۴ مبنی بر خرابی تقاطع چهار راه نواب خواستار رفع عیب مشکل بوجود آمده میباشند. گرمای هوای این روزهای تهران و تردد خودروهای سنگین وزن بعلت زدن ترمزهای ناگهانی و بی کیفیت بودن آسفالتها از معضل ایجاد شده میباشد.

با توجه به زیر مجموعه بودن شرکت واحد در شهرداری و رابطین شرکت واحد مستقر در شهرداریهای مناطق ۲۲ گانه تهران همچنان ایراد پابرجاست.

۵ - در سال ۱۳۸۵ با ورود بخش خصوصی به پیکره شرکت واحد لطمات و صدمات بسیاری به قشر زحمتکش پرسنل و رانندگان آن مجموعه وارد شد که جبران آن به هیچ وجه امکان پذیر نمی باشد. وعده های دروغین مسئولین شرکت واحد به استقبال کنندگان این طرح ، الخصوص رانندگان که از وضعیت بد اقتصادی و آزار و اذیت در محیط کار خسته شده بودند ، خواسته عوامل پشت پرده این سناریو را فراهم نمود.

از یک طرف در هم شکستن اتحاد کارگران که منجر به اعتراضات و اعتصابات سال ۸۴ و از یک طرف ثروت اندوزی آقازاده های این طرح، هدف گذاری خصوصی سازی در شرکت واحد را رقم زدند. سندیکای کارگران واحد با توجه به کوله باری از تجربه که بخوبی از حیل و نیرنگ برگزار کنندگان این طرح شوم خبر داشت، با برگزاری کلاسهای آموزشی

خصوصی سازی و نوشتن جزوات که در اختیار کارگران قرار میداد خواستار برچیده شدن این پدیده شوم بود. که متأسفانه عوامل خود فروخته شوراهای اسلامی و مدیران و حراستی های شرکت واحد گوش بفرمان دولتیان که در راس آنها خانه کارگریها بودند با یک برنامه ریزی از قبل تعیین شده پورش به مکان سندیکا را در دستور کار خود قرار دادند.

خانه کارگر که یک تشکل دولتی ست و دستاورد آنها با ۶ دوره نماینده بودن علیرضا محبوب برای همگان به وضوح روشن میباشد، احیای سندیکا را بعنوان یک رقیب و خطر معضل دانسته و عوامل های شرکت واحد (مدیر، حراست و شوراها) بدون داشتن تجربه و آگاهی بر آنچه که بدان تن دادند، خود را بازیچه دست آقایان قرار داده که اثرات کارشان ناله و نفرین و بی اعتمادی کارگران در مجموعه کاری و عدم استقبال کارگران در انتخابات شوراهای این روزهای شرکت واحد میباشد. در یک نظر سنجی از پرسنلی که به خصوصی سازی رو آوردند، بیش از ۹۸٪ آنها با واگذاری اتوبوسها به غیر احضار پشیمانی می نمایند. نه تنها رانندگان بخش خصوصی ، بلکه مردم که خود از قشر ضعیف جامعه میباشدند از آش دست ساز دزدان بیت المال نیز بی بهره نماندند. هزینه های سرسام آور این روزهای زندگی از یک طرف، نرخهای اتوبوسها نیز به دیگر خرج کردها اضافه گردید و در مقابل اعتراضات به روند خدمات دهی آقایان فعالیت سندیکا را بهانه تراشی کرده و همگان را مثل خود نادان توصیف میکنند.

آقایان مسئول بیائید برای یکبار هم که شده با خود خلوت کرده و با وجدان نداشته خود کمی روراست باشید و به خود بگوئید آیا این همه حق و ناحق کردن در ازای اون خوش خدمتی ارزشش را داشته؟

به گواه همه، طرح خصوصی سازی با شکست مواجه شده است پس چرا به اجرای آن اینهمه اصرار می ورزید؟

آیا وقت آن نرسیده که از سمت خود استعفاء داده و بگذارید افراد لایق بر مسند بنشینند؟

۶- طی مشکلاتی که در هفته گذشته پیرامون نبود باجه کارتخوان در شیفت شب برای مخاطبان از کانال فعالین سندیکا منتشر شد و همچنان مسئولان با بی تفاوتی از کنار آن میگذرند با خبر شدیم در مورخه ۹۵/۳/۲۲ روز شنبه ساعت ۲۲:۳۰ خانومی که قصد سوار شدن به اتوبوسهای تهرانپارس را داشت بعلت نداشتن کارت بلیط با متصدی ایستگاه جروبحث مینماید

متاسفانه عامل ایستگاه شب با خانوم مسافر درگیر شده و با وساطت مسافران قضیه ختم بخیر می شود.

گویا میبایست یک نفر در این میان جان خود را از دست بدهد تا بلکه مسئولین از خواب بیخیالی بیدار شوند.

۷- پیرو پیگیریهای قبلی در مورد روند برگزاری انتخابات شورای اسلامی کار (ش.ا.ک) سامانه های شرکت واحد، که منجر به انتخاب اعضای فرمایشی و امربران مزدور و اخراج کنندگان و پرونده سازان و نان بران کارگران در مصاف با کارفرما ها و حامیان آنها (مدیریت_ حراست_ اداره کار) با همکاری و همگامی مثلث نان کارگر بر مدیریت_ حراست_ مسئولین سامانه که آدم را به یاد:

"خداوند بستان نظر کرد و دید یکی بر سر شاخ بن می برید"

می اندازد، اعلام می شود:

پس از کش و قوس های فراوان برای اثبات بی صلاحیتی نمایندگان دست ساخته کارفرما، و ذینفعان سامانه های ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و... تعداد ۱۹ نفر از همکاران در مورخه ۲۳ / ۳ / ۹۵ پس از نامه نگاریهای قبلی، مبنی بر تخلفات عدیده از جمله: برگزار نکردن مجمع عمومی و برگزاری انتخابات نرده کشی شده و قلدر مآبانه و قیم مآبانه و زوری با نتایج از پیش تعیین شده و حذف سلیقه ای مخالفین به بهانه های واهی، و نخ نمای تحویل ندادن مدارک در مهلت قانونی و... که دوستان مخالف نمایندگان کارفرما ساخته و... که شدیداً مورد تایید بدنه کارگری شرکت واحد به دلایل گوناگون هستند، و چه بسا برخی از دوستان ما از جمله در سامانه ۳ در دقیق آخر اسامی آنها در لیست کاندیداهای نماینده تشخیص صلاحیت کاندیداهای اصلی "ش_ا_ک" بسیار مزورانه بدون اطلاع به پرسنل سامانه گنجانده شد، که ایشان رای لازم را کسب نکنند... و با وجود احراز تخلفات عدیده انجام شده در روند این انتخابات از شروع تا مرحله ورود به انتخابات اصلی، و مخالفت شدید مغرضانه و مداخله جویانه اداره کار استان به راهنمایی های شخص رییس اداره و مخالفت معنا دار این شخص با کاندیدا شدن دوستان خدمتگزار کارگران که سرلوحه اندیشه و عملکردشان دفاع از حق و حقوق کارگران است و با انواع سفارشات و توصیه ها از طرف مدیریت و حراست و مسئولین شرکت واحد در مورد سندیکا هراسی و کاسبی از این طریق برای مسئولین ریز و درشت شرکت واحد انجام می پذیرد و معلوم نیست که چه بده بستانهای پشت پرده ای بین آنان وجود دارد که دوستان سندیکایی ما تمام تلاشهای عادلانه و منصفانه و منطقی قانونی را با آنان انجام دادند، ولی متأسفانه آنها همچنان مصر به ادامه تخلفاتشان و... هستند و از ورود دوستان زحمتکش و کارگر دوست و فعال سندیکای کارگران شرکت واحد ممانعت به عمل آورده و کماکان به فعالیتهای ضد کارگیشان ادامه می دهند و علیرغم توافق با ۱۹ تن از دوستان ما که در جلسه حضور داشتند از تحویل نامه به گروه پیگیری توقف روند متخلفانه این انتخابات خودداری نمودند.

این پیگیری ها کماکان برای به نتیجه قطعی رسیدن ادامه دارد.

۸- انتخابات دست ساز شرکت واحد چگونه انجام شد

انتخابات شوراهای فرمایشی سامانه ۲،۳،۴،۵ و اداره مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی در مورخه های ۲۳ و ۲۴/۰۳/۹۵ طبق روال سالیان گذشته با اجبار، تخلف و تقلب برگزار گردید. جهت آشنائی بیشتر مخاطبین که خود با توجه به شناخت از شرایط محیط کاری چه در انجام حین خدمت و چه در برگزاری انتخابات نمایشی شوراهای اسلامی کار که هر کدام بعنوان یک فرد آگاه اشرف کامل به موضوع دارند به اختصار مواردی را بیان میداریم.

طی گزارشات رسیده از سامانه های مذکور عوامل مدیران مناطق، طی یک فراخوان و بسیج کردن جیره خواران خود از همه ابزارهای لازم جهت رای گیری زوری از قبیل ارتقاء گروه و رتبه، تائید ساعت کار، پرداخت وام،،،،، استفاده کرده تا بتوانند بار دیگر خوش خدمتی خود را از اربابانشان با گرفتن پاداش (ابقاء در پست خود) را فراهم نمایند.

در حالیکه شکایت هائی از روند انتخابات هیئت تشخیص در سامانه ها توسط پرسنل در وزارت کار در حال پیگیری بود، عوامل کارفرما و حراست با هماهنگی اداره کار استان نسبت به ضرب الاجلی شوراها اقدام نمودند. با مراجعات حضوری اعضای سندیکا با مسئولین وزارتخانه و ارائه مدارک و تخلفات شوراها، توسط آقای دلاور نظری معاون کل تشکلات کارگری نامه ای مبنی بر توقف برگزاری انتخابات را به اداره کار استان ارسال نمودند. متأسفانه طی بده بستان اداره کار استان و شرکت واحد در ادوار گذشته در توجیه به خبر نداشتن نامه با موضوعیت توقف انتخابات طی یک عملیات ضربتی رای گیری اجباری را با اتمام رساندن نمایندگان انتصابی توسط مدیران، در حالی جشن قهرمانی خود را به کارگران تبریک میگویند که به چشم خود شاهد دستگیری آقای مرتضی کمساری یکی از اعضاء سندیکا در سامانه ۳ توسط حراست و اجرائیات نیروی انتظامی بودند.

در حالیکه آقای علیرضا توسلی از دیگر اعضای سندیکا توسط معاون بهره برداری و اجرائیات نیروی انتظامی سامانه ۵ از محل اخذ رای به بیرون رانده میشود.

در جائیکه در سامانه ۴ تائید ساعت پایان کار کارگران منوط با رای آنها در پای صندوق پیش چشمان مدیریت و حراست میباشند.

سؤال اینجاست: آقایان به اصطلاح نماینده کارگر، چگونه با برخوردهای ذکر شده در بالا جرات اعتراض به اربابان خود را نداشته اید؟ همچنان که در این مواقع خود را در گوشه ای پنهان می نمائید، چگونه در ۲ سال فعالیت تان خواستار گرفتن حق و حقوق کارگران می باشید؟

۹- یکی از معضلات توقفگاه سرخه حصار (سامانه یک) وجود سگهای ولگرد می باشد. با توجه به محوطه بدون حصار توقفگاه مربوطه هر روز به تعداد حیوانات اضافه می شود. طی برنامه ریزی های شهرداری پیرامون جمع آوری این حیوانات که در ماههای گذشته صورت گرفته است، متاسفانه باز هم شاهد ازدحام سگها می باشیم که می بایست مسئولین سامانه یک فکر اساسی در این مورد انجام دهند. همچنین رانندگانی که جهت تحویل اتوبوسها به ردیف مراجعه می نمایند، حد فاصل ردیف اتوبوسها تا اطاق رزرو امکان بروز هر حوادثی وجود دارد.

برای نمونه: با حلول ماه مبارک رمضان بعلت حمله یکی از همین سگهای ولگرد به کارگر فنی امداد خودور، موجبات مسدوم شدن ایشان گردید و به علت مستقر نبودن مددکاری در مکان فوق، ایشان به ناچار جهت مداوا به درمانگاه مراجعه نمود و پس از اقدامات اولیه و با زدن هشت بخیه تحت

مداوا و درمان قرار گرفته و در حال حاضر پس از استراحت کوتاه در محل خدمتی شاغل میباشد.

۱۰- در پی انتشار مشکلات رانندگان سامانه یک مبنی بر تحویل پکیج افطاری در ساعت اعلام شده توسط مسئولین (۱۸ لغایت ۲۰) با خبر شدیم از طرف مسئولین سامانه فوق برای رفع مشکل بوجود آمده مقرر گردید تعداد ۲۵ پکیج اضافه بر ساعات تعطیلی مکان توزیع، به ناحیه شرق مستقر در انتهای خط(تهرانپارس) تحویل گردد تا پرسنلی که تاخیر در گرفتن دارند، بدانجا مراجعه نمایند.

۱۱- در اخبار گذشته به مشکلات جمعی از رانندگان سامانه ۴ پیرامون خرابی آسفالت تقاطع چهارراه نواب بدان اشاره گردید. با خبر شدیم معضل آسفالت فوق در هفته گذشته از طرف مسئولین حل گردید.

۱۲- هفته گذشته در مورد معضل توقفگاه سرخه حصار (سامانه یک) در رابطه با وجود سگهای ولگرد خبری را منتشر کردیم.

خوشبختانه مسوولین سامانه پس از انتشار خبر نسبت به رفع این مشکل امروز ۱ تیر واکنش نشان داده و طی یک عملیات ضربتی سگها را از سرخ حصار جمع آوری کرده اند.

ما ضمن خسته نباشید به کارکنانی که در این عملیات شرکت داشتند ، امیدواریم که مسوولین شرکت واحد نسبت به بقیه معضلات هم برخورد صحیح بروز دهند.

۱۳- یکی از معضلات و مشکلات جامعه امروزی که با آن مواجه هستیم، اختلاف سطح طبقاتی از طرف مسئولین کشور با دیگر مردم می باشد. به اعتقاد نگارنده با هدف و برنامه ریزی شده از قبل تا امروز صورت گرفته که تبعات بسیاری نیز در برداشته است. متأسفانه با همه ایرادات و انتقادات صاحب نظران، مسئولان همچنان به سیاستهای غیرمنطقی خود ادامه می دهند.

از دامنه این اختلافات و تبعیضها متأسفانه بیشترین سهم نصیب کارگران میباید که به وضوح در محیط کاری از آن دیده میشود. برای نمونه در شرکت واحد اتوبوسرانی، به گواه اکثر کارگران تبعیض بین کارگر و کارمند به کرات وجود دارد. برای نمونه در تصویر ذیل کمک هزینه ازدواج و فوت هر یک از پرسنل گواه مطلب فوق میباشد.

۱۴ - باز هم سوء استفاده کارفرما از کارگران و زحمت کشان

گل بود به سبزه آراسته شد

بازم هم شاهکاری از مسئولین بهره برداری سامانه یک. در مطالب گذشته پیرامون طولانی بودن صف اتوبوسها در مبدا و مقصد (آزادی تهرانپارس) بنا به گزارشات رسیده از رانندگان زحمتکش آن سامانه، برای مخاطبان منتشر نمودیم که متأسفانه نه تنها از طرف مسئولین مربوطه اقدامی صورت نپذیرفت بلکه اخیراً طی گفتگوی شفاهی با رانندگان این بار بهره برداری سامانه یک تلاش دارد که رانندگان را ترغیب نماید که اگر در طول ساعت کاری شش نیمراه در مسیر آزادی تهرانپارس اقدام به رانندگی و برداشت مسافر نمایند علاوه بر دریافت حقوق آن روز یک ساعت اضافه کاری دریافت خواهند کرد. این اقدام علاوه بر بهره کشی بیشتر از رانندگان خطر تصادف و به

خطر انداختن جان مسافران و شهروندان ، تخلف رانندگی و استرس را برای رانندگان در پی خواهد داشت.

امیدواریم مسوولان سامانه یک با اتخاذ یک تصمیم کارشناسی شده این اشتباه خود را فوراً تصحیح کنند.

هر چند رانندگان با هوشیاری از نیت سوء کارفرما این دسیسه را نیز بی اثر خواهند کرد. **به امید آگاهی و اتحاد بیشتر کارگران**

۱۵- آیا فعالیت سندیکای کارگران شرکت واحد باعث خصوصی سازی شده است؟

در پی فعالیت های پر ثمر و افشاگرانه سندیکا در شرکت واحد که به دلیل پایمال شدن حقوق کارگران صورت میگیرد، عوامل کارفرما درصدد فرافکنی و فریب دادن کارکنان خود بر آمده اند. افشای نواقص و کم کاری های مدیران توسط سندیکا و پیگیریهای سندیکا برای رفع نواقص و خواسته های کارگران بخصوص موضوع مسکن، را عامل خصوصی سازی در شرکت واحد عنوان می نماید. در صورتی که این عوام فریبی فقط و فقط توسط مسئولین رده بالای این مجموعه بزرگ مورد تائید میباشد و اکثریت قریب به اتفاق پرسنل، خود آگاه به امور میباشدند. برای نمونه گوشه ای از هرج و مرج موجود در تعمیرگاه سامانه یک واقع در اداره مرکزی را به اختصار برای مخاطبان عزیز عنوان مینماییم.

در تعمیرگاهی که حدود ۱۰۰ نفر نیروی پرسنل فنی واز ۱۴ قسمت برخوردار میباشد به چه دلیل اتوبوسهایی که بعلت نقص موتوری هستند میبایست به خارج از تهران (گاراژ امرجی) منتقل شود، آنهم با داشتن اینهمه تعمیرگاه در داخل تهران و جالب اینست که در برخی مواقع اتوبوسهای تازه

تعمیر دوباره دچار نقض فنی میشوند. آیا رفتن این اتوبوس ها به خارج از تعمیرگاه نفع خوبی برای آقایان ندارد؟

ایا مسوولین نباید از حقوق شرکت در مقابل تعمیرگاهی که اتوبوس شرکت را درست تعمیر نکرده دفاع کنند؟

چرا تعمیرات پمپ انژکتوری اتوبوسها در تعمیرگاهی انجام میگیرد که بنظر اکثر افراد فنی در تعمیرگاه امکان بازسازی آن هست. آیا تعمیرگاه پمپ ها انژکتوری نسبتی با معاون فنی دارد؟

در هفته گذشته شاهد بارگیری جکهای بزرگ توسط کامیون خصوصی بودیم. این مورد نیز یکی دیگر از سئوالاتیست که مسئولین میبایست جوابی برای آن داشته باشند.

۱۶- در طی یک ماه گذشته شاهد چند مورد درگیری عوامل پلیس راهور و رانندگان BRT در سطح شهر و میان خطوط مختلف شهر بوده ایم. یکی از علل این درگیری ها باز نکردن مسیر اتوبوس توسط عاملین پلیس که با دربهای آهنین که در تقاطع های مسیر ویژه اتوبوس قرار دارد میباشد، که راننده را مجبور به تغییر جهت از مسیر اصلی خود می نماید که با توجه به طول زیاد اتوبوس دو کابین (۱۸۳۵ cm) این امر باعث حادثه هایی از قبیل برخورد با خودرو های مجاور ، موتور سیکلت و وسایل غیر مجاز در حال تردد در خط ویژه عابر های متخلف و نظیر آن می شود.

با توجه به اینکه دستور پلیس مقدم بر علائم راهنمایی و رانندگی میباشد باید به این نکته هم توجه داشت که اگر پلیس از راننده ای می خواهد که تغییر مسیر دهد، باید ابتدا مسیر را برای آن راننده و وسیله نقلیه ایمن سازد. به این معنی که از دیگر وسایل نقلیه بخواهد که از حرکت در مسیر آن وسیله

خودداری کنند که از بروز هر حادثه‌ی احتمالی ممانعت نماید. که بخشی از این درگیری‌ها به علت بی‌توجهی و بی‌تدبیری مسوولین شرکت واحد و پلیس راهنمایی و رانندگی میباشد

۱۷- طی گزارشهای رسیده از سامانه ۵ خط ۱۰ BRT نا رضایتی راننده‌های این خط از طولانی بودن صف انتظار برای سوار کردن مسافر در پارک سوار آزادی که به دلیل کم بودن فضا در پارک سوار و چند صف شدن جهت رسیدن به ایستگاه مبدا برای سوار کردن مسافران تشکیل می‌شود. این امر باعث به هم خوردن نوبت می‌شود و همین امر باعث تشدید استرس و عصبانی شدن راننده‌ها و درگیری نیز گردیده است. در طی یک ماه گذشته شاهد چند مورد درگیری فیزیکی بین راننده‌ها بوده ایم که حد اقل دو مورد از این درگیری‌ها منجر به مجروح شدن شدید همکاران شده است متأسفانه شاهد شکستن یک بینی و یک انگشت در درگیری‌های جداگانه بوده ایم.

حال باید ببینیم مقصر این گونه حوادث چه کسی است و چه کسانی از این آب گل آلود نفع می‌برند؟ آیا کسی جز کارفرما نیست؟

راننده‌های خط اظهار میدارند که چند نوبت به آقای علی مسئله چی مسئول ناحیه آزادی مراجعه نموده اند و برای حل این مشکل از ایشان تقاضای تدبیر نموده اند که ایشان با کمال بی‌احترامی اذعان می‌دارد که «هیچ کاری برای شما نمی‌توانم انجام دهم و من فقط به برداشت مسافر می‌اندیشم و سلامت روانی یا جسمی هیچ یک از رانندگان برای من مهم نیست.»

۱۸- در تعمیرگاه سامانه یک چه خبر است؟

در ضلع جنوبی تعمیرگاه مکانی جهت ریختن به اصطلاح ضایعات اتوبوسها میباشد که به دفعات سالم و قابل کار از جمله سینی جلوی ۳۰۲ که از قدیم در انبار موجود میباشد و یا ورقهای آلومینیومی و شیشه های سالم ، نوارهای دور شیشه ،،، خروج این لوازم سالم به چه دلیل است؟

ورود اتوموبیلهایی با پلاک شخصی به تعمیرگاه در مقابل دفتر و انبار و حمل قطعات و لوازم بدون بازرسی توسط نگهبان به چه دلیل است؟

مدتی است که از ورود اتوبوسهای دارای نقض فنی جهت رفع عیب به بخش اسنا در تعمیرگاه خوداری میشود . کارگران فنی می پرسند این کار به چه دلیل صورت می گیرد؟ آیا موضوع رشوه در میان است؟

تحویل قطعات از انبار جهت نصب بر اتوبوسهای دچار نقض فنی با مبلغ درج شده در فاکتور به هیچ عنوان با قیمتهای بازار مطابقت ندارد. چرا؟ ایا همه این موارد به این دلیل نیست که می خواهند شرکت واحد را ورشکست کرده و با ارزان ترین قیمت به دوستان خود واگذار کنند؟

۱۹ - پس از برگزاری انتخابات شوراهای فرمایشی که با تقلب و تخلف همچون ادوار گذشته در مناطق شرکت واحد برگزار شد، شاهد اعلام جلوگیری از خصوصی سازی توسط این شوراهای دست ساز میباشیم.

باز هم دروغ و نیرنگ از طرف این جماعت به اصطلاح نماینده.

سؤال اینجاست: چطور بعد از ۱۰ سال یادتان آمده که میبایست از روند خصوصی سازی در شرکت واحد جلوگیری بعمل آید؟ آیا یادتان رفته در زمانی که حکم اخراج کارگران در کمیته های انضباط کار را امضاء می

کردید و در توجیح کارتان خطاب به کارگر پیشنهاد خرید اتوبوس از بخش خصوصی را می نمودید؟

آیا شماها همان هائی نبودید که همسو با اهداف کارفرما جهت تعدیل نیرو در کمیته های انضباط کار روزه سکوت اختیار کرده و هر خواسته کارفرما را بدون در نظر گرفتن مسئولیت خود در قبال کارگر بدون چون و چرا عمل می نمودید؟

آیا شماها همان هائی نبودید که در سال ۸۴ با برنامه ریزیهای اربابان تان (خانه کارگر و مسئولین شرکت واحد) با چوب و چماق محل سندیکا را تصرف کردید؟

آیا بیاد دارید ۳۰۰ نفر کارگر مظلوم را بدلیل عمل نکردن وظایف خود بصورت چشم بند در کمتر از ۲۴ ساعت به زندان اوین منتقل کردند؟ اگر پرسنل شرکت واحد از داشتن نماینده مستقل محروم نبود به هیچ وجه سر از جلوی شورای شهر، شهرداری و وزارتکار در نمی آورد. کفایت یک سر به وزارت کار زده و از پرونده های انباشته شده کارگران که مسبب آنها شماها می باشید بزینید.

اینروزها در شعارهاتان از تبعیض در شرکت واحد سخن به زبان میاورید که جای بسی تعجب است. آیا اختلاف دریافتی کارگر و کارمند بعد از این دوره از انتخابات شماها در شرکت واحد رخ داده است؟

چه چیزی باعث شده که حالا ب فکر چاره اندیشی افتاده اید؟ آیا یادتان رفته در ۲سال گذشته روز کارگر در جلوی چشمان شماها به اصطلاح نمایندگان کارگر رانندگانی که قصد پخش کردن شیرینی و گرفتن جشن روز خود را داشتند توسط نیروهای اطلاعاتی دستگیر و روانه زندان شده اند؟ چه کسانی کارگران را به ماموران اطلاعات معرفی میکرد؟

برخی از افراد وابسته برگزار گردید. ایشان در یک اقدام برنامه ریزی شده بجای پرداختن به خطاهای خود، برگزاری انتخابات شوراهای فرمایشی را از اوجب واجبات دانسته و تنها راه برون رفت از وضعیت موجود را تشکیل شوراهای به اصطلاح کارگری را خواسته است.

ما می پرسیم انتخابات شورا چه ربطی به تخلفات مکرر ایشان و زیرمجموعه اشان دارد؟ آیا به این دلیل نیست که شوراهای فرمایشی را برای این می خواهد تا آسوده تر تخلف کند؟

حیف و میل های ایشان و هم طرازانشان آیا باعث ورشکستگی و بالا رفتن هزینه ها در شرکت واحد نیست؟ فرستادن ماشین هایی که در تعمیرگاه می توان تعمیر نمود به خارج از تعمیرگاه باعث افزایش هزینه های شرکت واحد نیست؟ هر چند که باعث لغت و لیس ایشان هست.

اگر امروز می خواهند شرکت واحد را خصوصی کنند به دلیل ورشکستگی با این اعمال سود جویانه است نه چشمان تیز بین کارگران سندیکایی.

ترفند خصوصی برای این است که مدیریت غلط آقایان و حیف و میل ها، پشت پرده باقی بماند.

۲۲- با توجه به اخباری که در مورد تخلفات معاونت فنی سامانه یک و زبردستانش از کانال فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد منتشر گردید، مطلع شدیم که آقای والی بخت برای پاره ای توضیحات به حراست و بازرسی احضار و مورد بازخواست قرار گرفته است تا در مورد اعزام ماشین های قابل تعمیر به خارج از تعمیرگاه شرکت واحد و فاکتورها پاسخگو باشد.

امیدواریم مدیریت و حراست نسبت به وظایف خود در رابطه با حفظ حقوق کارگران و کارکنان و اموال شرکت واحد همیشه با حساسیت برخورد کنند.

۲۳- مدتی است خبر مربوط به فیشهای چند صد میلیونی مدیران بانکها و شرکتهای دولتی و نهادهای حکومتی، موجی از نگرانی و نفرت عمومی را برانگیخته و باعث شده که مردم، خصوصاً کارگران و مزدبگیران در جامعه احساس ناامنی کنند تا جایی که ریاست جمهور دستور پیگیری اکید را به بخشهای مختلف صادر نمایند.

لازم است در همین راستا مدیران ارشد شرکت واحد اتوبوسرانی و معاونت منابع انسانی (بازنشسته) حراست و بویژه شخص مدیر عامل جناب آقای پیمان سنندجی نسبت به ارائه فیش های حقوقی خود جهت روشن شدن اذهان عمومی خصوصاً کارگران اقدام نمایند.

باتوجه به سنگ اندازیهای مسئولین شرکت واحد در خصوص پرداخت مسکن بلاعوض مانند (تاخیر در ارسال لیست افراد فاقد مسکن به شهرداری، عدم معرفی زمینهای مازاد شرکت واحد،،،،،) و تاخیر در اجرای طرح طبقه بندی مشاغل این شائبه برای پرسنل بوجود آمده است که آیا ایشان و اطرافیان هم جزو همین مدیران می باشند؟

۲۴- طی اطلاعیه صادر شده از طرف امور بهره برداری سامانه ۳ مبنی بر الزامی بودن کارکرد رانندگان در روز ۱۱ تیرماه مصادف با روز قدس، با خبر شدیم رانندگان آن سامانه به صدور اینگونه اطلاعیه ها معترض هستند .

لازم به ذکر است هر گونه اجبار، الزام و تهدید از طرف شرکت خلاف قانون بوده و چنانچه درخواستی از کارفرما مبنی بر کارکرد کارگر در روزهای تعطیل عنوان شود می بایست با توافق کارگر و با احتساب پرداخت مزد و پاداش باشد.

۲۵- در پی برگزاری جلسه روز سه شنبه توسط معاونت فنی سامانه یک در نمازخانه جهت ماست مالی کردن تخلفات ایشان، تعدادی از سرپرستان تعمیرگاه اعتراض خود را نسبت به تبعیض میان پرسنل فنی را عنوان نمودند که با عدم پاسخگویی آقای والی بخت مواجه شدند.

در حالیکه کارگران فنی از قطع اضافه کار و شیفت بندی معترض میباشند تعداد ۵ نفر از پرسنل که در قسمتهای موتوری، الکتریکی و معاونت مشغول بکار میباشند طی لابی با معاونت فنی با آزاد بودن سقف اضافه کار و به ازای کارکرد هر روز ۳ ساعت و در روزهای تعطیل ۱۰ ساعت اضافه کار برایشان لحاظ میشود. (یعنی اگر ۸ تا دویل در ماه باشد معادل ۸۰ ساعت دویل می گیرند)

افراد مذکور به جهت ساخت یک دستگاه ویلا در منطقه آبسرد دماوند برای شخص آقای والی بخت از همه نوع امکانات ایشان، خود را بیمه نموده اند.

چنین خوش خدمتی حاصل چه نوع رانت و حق کشی بوده است؟

۲۶- یکی از معضلات رانندگان شرکت واحد برخوردهای نامناسب برخی از مسافریین در طول روز میباشد که در مواقعی منجر به برخورد فیزیکی و مراجعات مکرر به پاسگاهها و دادگاه می باشد. متاسفانه این مشکلات در

عمر خدمات دهی شرکت واحد تا امروز پابرجا بوده و با توجه به مستقر بودن مسئولین حقوقی در مناطق تاکنون هیچگونه حمایتی از طرف مسئولین (با توجه به خطر افتادن موقعیت کاریشان) از رانندگان صورت نگرفته است.

نه تنها این موضوع (درگیری مسافر با راننده) حل نگشته بلکه شاهد زد و خورد عوامل پلیس و راهنمایی و رانندگی با رانندگان به مشکلات دیگر اضافه گشته است.

۲۷- فساد در تعاونی مسکن شرکت واحد اتوبوسرانی

آقای ثابت که این زمین (سپیدار ۱) را به تعاونی مسکن شرکت واحد فروخته است و قرار بود سپیدار ۲ و ۳ که اکثر بچه های سندیکا عضو هستند متاسفانه حدود ۴ سال برای ساختنش دیر کرد داشته است. در حال حاضر هم در مرحله شکایت بازی هست.

۲۸- چرا خصوصی سازی؟

طی هفته های گذشته بحث خصوصی سازی در شرکت واحد بسیار بالا گرفته است. مدیریت تصمیم گرفته که شرکت واحد را بفروشد.

سوال ما این است که اگر شرکت واحد ضرر می دهد مگر شرکت های خصوصی دیوانه هستند که بیایند این شرکت را بخرند و ضرر کنند؟

یا اینکه این شرکت سود خوبی می دهد و فقط می خواهند این سود به جیب دولت نرود و آقایان این ثروت ملی را هم بالا بکشند؟

یا اینکه می خواهند با دادن شرکت واحد به بخش خصوصی حق و حقوق رانندگان را که با مبارزه به دست آمده در این شرکت های خصوصی نابود کنند؟

سندیکاهای کارگری مخالف و افشا کننده هر گونه فساد و خصوصی سازی می باشند.

۲۹- پیرو خبر درج شده در روزهای گذشته از سامانه ۲ که بدلیل فرورفتن خیابان مولوی محدوده میدان محمدیه رانندگان این خط مجبور به تغییر مسیر و شاهد درگیری هایی بین رانندگان و مسافریین بدلیل دور شدن طول مسیر و متوقع شدن مسافران برای پیاده و سوار شدن در خارج از ایستگاه که امنیت جان مسافران را به خطر می اندازد، بودیم .

دامنه این تنش ها حتی به شرکت خصوصی توزیع کارت بلیط (تومن) کشیده شده که بعضا باعث درگیری بین عاملین این شرکت و رانندگان میشود ، این عاملین طی درخواست غیرقانونی از رانندگان این خط میخواهند که در حد فاصل خیابان تختی و ایستگاه مترو (شوش) که امکان کنار کشیدن اتوبوس دو کابین با توجه به طول زیاد اتوبوس نمی باشد اقدام به برداشت مسافر که سود بیشتری عاید شرکت مذکور که مربوط به آقا زاده ها می باشند، کنند.

ضمن تذکر این نکته که رانندگان شرکت واحد جز پلیس راهنمایی و رانندگی و مسئولین شرکت واحد آنهم با در نظر گرفتن قوانین نباید از شخص یا شرکت دیگری تمکین نمایند، باید یادآور شویم که گویا مسئولین شرکت واحد و یا شهرداری در امر مدیریت شهری عاجزند و یا در خواب غفلت بسر می برند.

باید از مسولین شرکت واحد سوال کرد که از این هرج و مرج چه نفعی می برند؟ شاید هم پاداشهای چند میلیونی یا حقوق های نجومی برای انجام وظایف آنها کافی نیست؟

۳۰- معاونت منابع توسعه شهرداری تهران در راستای تحقق تدابیر شهردار محترم تهران.....

می خواهند ۲۰۰۰ نیرو را در شرکت واحد باز خرید کنند

ما می پرسیم که بی تردید بخشی از این تعداد شامل رانندگان و تعمیرکاران خواهد شد. بعد از باز خریدی رانندگان و تعمیرکاران چه کسی اتوبوس ها را جابجا خواهد کرد و مسافرین را به مقصد خواهد رساند؟ فرشته ها؟؟؟

چه کسی اتوبوس ها را تعمیر خواهد کرد؟ اجنه؟؟؟

اگر دلیل تان ورشکسته شدن و بی پولی شرکت واحد است، کافی است فیش حقوقی آقایان را به پرداخت قانونی نزدیک کنید و از دادن پاداش به افراد تنبل و بی لیاقتی که پست مدیریت را اشغال کرده اند ، خوداری کنید تا از ورشکسته شدن شرکت جلوگیری شود .

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه مدافع حقوق کارگران شرکت واحد است

۳۱- با خبر شدیم در مورخه ۱۲ تیر ماه روز شنبه ساعت ۷:۳۰ در مسیر غرب به شرق خیابان دماوند تقاطع سبلان یک دستگاه خودروی پراید دچار حریق گردید. که در این بین ۲ نفر از رانندگان زحمتکش سامانه یک در یک

اقدام انسان دوستانه با کیسول آتش نشانی که متعلق به اتوبوسهای خود میباشند خودروی فوق را تا قبل از رسیدن عوامل زحمتکش آتش نشانی از وارد شدن خسارات بیشتر خاموش کردند.

سندیکای کارگران شرکت واحد تقدیر و تشکر خود را از این کار انسان دوستانه و ارزشمند ۲ همکار گرامی ابراز داشته و از مسئولان مربوطه خواستار پاداش و توجه ویژه به این ۲ عزیز را خواستار میباشند.

یا شاسین قهرمان کارگر لر ، عشق اولسون زحمتکش راننده لره

۳۲- چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است:

بنا به گزارشات رسیده از سامانه یک امروز شنبه ۱۲ تیرماه ساعت ۱۵:۰۰ یک دستگاه سواری مگان متعلق به راهنمایی و رانندگی با دو نفر راننده و سرگرد راهنمایی و رانندگی داخل سوله پایانه تهرانپارس خط یک BRT شدند و تعداد ۶۰ عدد پکیج (بسته افطاری) که متعلق به کارگران و زحمت کشان این شرکت میباشند از این سامانه دریافت نمودند.

ما که میدانیم زحمتکشان شرکت واحد آنقدر بزرگوار هستند که از حق خود به پرسنل خدوم راهور بدهند حال سوال اینجاست که چرا اگر کارگری یک میلیون تومان وام ضروری بخواهد باید چند ماه در نوبت باشد و اگر همکاری یکی از بستگان نزدیکش فوت کند فقط مبلغ ۱۰۰ هزار تومان به آن کارگر میدهند و میگویند بیشتر از این در حد بودجه ما نیست حال کدام یک را باور کنیم ؟ بخشندگی های بی مورد مدیر ؟ یا نداشتن بودجه برای رفع نیاز های ضروری کارگران ؟

سندیکاهای کارگری مبارزه در راه افشای فساد را الویت کار خود می دانند.

شرایط نایمن محیط کار کارگران عسلیویه و بی توجهی کارفرما

منابع کارگری ایلنا در عسلیویه با ارسال تصاویری از ادامه وضعیت نایمن کارگران و نادیده گرفتن اصول ایمنی در پروژه‌های در دست ساخت فاز ۱۴ عسلیویه خبر می‌دهند.

فعالان صنفی کارگری منطقه ویژه عسلیویه تصاویری را در اختیار ایلنا قرار داده‌اند که به مسئله نادیده گرفته شدن مقررات مربوط به اصول ایمنی و شرایط نامناسب شغلی کارگران شاغل در فاز ۱۴ منطقه ویژه عسلیویه مربوط می‌شود. به صورت مشخص تعدادی از این تصاویر به نادیده گرفته شدن اصول ایمنی در داربست بندی محیط کار این کارگران مربوط می‌شود.

به نقل از کارگرانی که در این محیطها مشغول کارند با وجود تذکرات داده شده به پیمانکاران مجری این پروژه‌ها، هنوز محل کار شمار قابل توجهی از کارگران از نظر نوار هشدار خطر و جلوگیری از امکان ریزش نا ایمن است.

در این باره گفته می‌شود با وجود آنکه ناظران ایمنی به وظیفه خود در خصوص شناساندن کانون های خطر و دادن تذکرات لازم جهت اصلاح رفتارهای نایمن پیمانکار عمل کرده‌اند اما همچنان کارگران به فعالیت روزانه خود در این محیطها ادامه می دهند و همین امر باعث شده تا همیشه نگرانی از وقوع حوادث کار احساس شود.

مطابق ماده ۹۵ و ۸۵ مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار بر عهده کارفرما یا مسئولان واحدها خواهد بود و هر گاه بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کارفرما یا مسئولان واحدها، حادثه ای رخ دهد، شخص کارفرما یا مسئول مذکور از نظر کیفری و حقوقی و نیز مجازات های مندرج در این قانون مسئول خواهد بود.

تبریک بخاطر آزادی عظیم زاده

دو سه روز اخیر، خبر مسرت بخش آزادی عظیم زاده و بازگشت او به کانون گرم خانواده اش را همه ما شنیدیم. ضمن شادباش و همچنین تاسف از مشکلات جسمی نامبرده در نتیجه اعتصاب غذا، از پایان یافتن اعتصاب غذای نامبرده عمیقاً خوشنود و راضی هستیم. از سوی دیگر، بنظرم شاید مدیای سرمایه داری از پایان یافتن این ماجرا زیاد خرسند نباشند. شاید در آرزوی شهادت سازی دیگری بودند یا شاید هم خیلی خوشحال میشدند اگر خدای ناکرده بلایی بر سر جعفر می آمد تا با او ایلا کردن بر او در تقابل بین سرمایه داری جهانی و بورژوازی وطنی قربانی سازی و مظلومیت نمایی کنند.

امروز و بعد از برجام، سرمایه جهانی در تکاپوی تسخیر بازار ایران است. شاید در این میان استفاده از جان، شرافت و عزت کارگر، دست مایه این رقابت و کشمکش باشد. کما اینکه از جنبه سیاسی هم میتوان نمود این کشمکش را در تضاد دولت بعنوان حامی سرمایه داری جهانی در تقابل با آنچه در گذشته بنام دلواپسان و کلا مخالفین برجام ملاحظه کرد. این دو سوی معادله از هیچ کوششی در جهت پیروزی خود برحریف کوتاه نخواهند آمد.

یک سوی آن(دولت) بشدت خواستار ورود به بازار جهانی سرمایه، خصوصی سازی و ایجاد دولت مدرن در ایران است. دولتی که بر همه ارکان اقتصادی سیاسی و نظامی کشور احاطه پیدا می کند. چنین دولتی بشدت کوچک و همسو با اقتصاد بازار آزاد و رقابت آزاد است و از سوی دیگر، مخالفین که وابسته به عناصر مذهبی و نظامی هستند در صددند که با حفظ شرایط فعلی از غلطیدن مناسبات اقتصادی و سیاسی کشور بسمت غرب، بدبین و نگران هستند. مهمترین شعار این گروه عدالت گرایی است. همانطور که طیف مقابل (جناح دولت و طیف اصلاح طلبان) بحث آزادی و حقوق مدنی و شهروندی سرلوحه شعارهایشان میباشد.

در ماجرای فیشهای حقوقی که از طرف طیف مخالف دولت، بشدت و بیشکل رادیکالی دنبال میشود بطوریکه برخلاف جریان دولت که فکر می کرد این مسئله در حد چند سایت و روزنامه و خیرگزاری باقی میماند ولی باتوجه به تبلیغات جریان رقیب و مهمتر از آن فقر و بدبختی و شکاف فاحش طبقاتی، از حقوق پایین کارگران و معلمان و سایر حقوق بگیران گرفته تا سایر اقشار آسیب پذیر جامعه، امروز این مسئله در کوچه و خیابان و در لایه های مختلف جامعه مطرح است. و مردم بشدت ازین همه فساد و بی بندباری اقتصادی ناراضی و ناراحتند.

این رخداد باتوجه به اینکه سال آینده، سال انتخابات است بشدت از طرف جریان رقیب دولت مورد بهره برداری سیاسی قرار گرفته است. بطوریکه دولت را در موقعیت تدافعی قرار داده است. امروز مردم ایران تشنه عدالتند. این چه وضعیتی است که عده ای قلیل حقوقهای چند صد میلیونی میگیرند و اکثریتی دستمزد چند برابر پایینتر از خط فقر؟ در چنین اوضاعی و در فضای مناسبات سیاسی، اقتصادی هر طرف با تکیه بر ابزارهایی که در دست دارند در تلاشند تا ذهنیت جامعه را همراه با خود و بر علیه رقیب تغییر دهند. ماجرای فیشهای حقوق مدیران دولتی چه از منظر اخلاقی و چه اقتصادی و اجتماعی، یک باخت بزرگ برای دولت بود. باید دید که در آینده چه میشود ولی با این حال در این کشمکش، که بازهم بنوعی استفاده از حقانیت طبقه کارگراز طرف مخالفان دولت است یعنی با آن حداقل دستمزد ۸۰۰ هزار تومانی و یادآوری این امر که ای کارگری که حقوق ناچیزت کفاف زندگی بخور و نمیر را نمی دهد بیا ببین مدیران دولت تدبیر و امید چه دریافتهای نجومی برای خود دارند.

طبیعیست که در چنین احوالی کارگران و عموم مردم ناراحت باشند. هرچند که بنظرم حتا در این جریان (حقوقهای نجومی) که البته بشدت غیر قانونی و غیر اخلاقیست بازهم از وضعیت طبقه کارگر سو استفاده میشود. یعنی آن کسانی

که در حال زیر ضرب بردن دستگاه دولت هستند. در زمان دولتهای قبلی، همان کاری را کردن که دیگران در دولت فعلی. مردم فقیر در اینجا در میانه بازی گیر افتاده اند. نمی دانند که کدام سو درست میگوید و به کدام سمت امید ببندند. این ماجراها در بازی قدرت همیشه بوده است. یعنی قیل و قال کردن جریان رقیب دولت مستقر برای کسب آرا در انتخابات بعدی. اما نباید بگذاریم که همیشه از طبقه کارگر استفاده ابزاری بشود. نباید بگذاریم که از زندگی و بدبختی ما، دیگران در بازیهای قدرت پیروز شوند و بعدش هم کارگر برو به امید خدا. باید بپذیریم که: کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من

اگر قرار است قربانی شویم و یا از گرسنگی بمیریم، برای خودمان بمیریم. برای طبقه کارگر بمیریم. نه نردبانی باشیم تا دیگران از مناره های ما بالا بروند. دیگر بس است از مظلومیت کارگر گفتن. دیگر بس است. چونکه قرن هاست در بازی قدرت و ثروت، از مظلومیت و حقانیت کارگر چه سخنها زیبا و شیرین که بر زبان جاری نساخته اند. تا زمانیکه بر اسب مراد نشستند از یاد میروند هر آنچه که بر زبان می آوردند. گویا که همشان الزایمر می گیرند و نتیجه آن همه شعار برای کارگران و سایر اقشار فرودست همیشه هیچ بوده است. من نمیخواهم فقیرم، بدبختیم، حقوق پایینم و خیلی از نداشته هایم دستاویز دیگران باشد. اگر کاری برای تغییر شرایط رقت انگیز زندگی، از من ساخته نیست، بگذار لااقل امکان سوء استفاده برای دیگران فراهم نکنیم. لااقل می توانیم کاری کنیم که شرایط را برای زندگی و مبارزه نسلهای بعدی ساده تر کنیم و نه این که آن را دشوارتر کنیم. اگر هم عزت و افتخاری قرار است نصیب ما شود، این اتفاق هنگامی می افتد که روی پای خودمان بایستیم.

رضارخشان عضو هیات مدیره سندیکای کارگران هفت تپه

۱۳۹۵/۴/۱۴

«بهرام حسنی‌نژاد»، در گفت‌وگو با ایلنا مطرح کرد:

تعارض در شیوه برخورد با کارگران معترض و مدیرانی که حقوق نجومی دریافت می‌کنند.

در حالی فیش‌های حقوقی مدیران در رسانه‌ها خبرساز می‌شود که خیل عظیم کارگران حداقل بگیر و درگیر معیشت، حق اعتراض هم ندارند.

بهرام حسنی‌نژاد فعال کارگری در گفتگو با ایلنا با انتقاد از برخوردهایی قضایی اخیر با کارگران معترض گفت: سالهاست که شاهد فشار روی کارگران معترض هستیم و به شیوه‌های مختلف، هر نوع عدالت خواهی سرکوب می‌شود.

وی با اشاره به بازداشت اخیر کارگران شهرداری اهواز افزود: این روزها کمتر واحد صنعتی، تولیدی و یا خدماتی را سراغ داریم که دستمزد کارگران به موقع و بر طبق قانون پرداخت شود. این کارگران شهرداری نیز چندین ماه معوقات مزدی داشتند و در نهایت، در کمال بی‌عدالتی به جرم پیگیری یک خواسته حداقلی، ۵ روز را در بازداشت گذراندند و در حال حاضر نیز به صورت مشروط آزادند.

حسنی‌نژاد در ادامه گفت: از یک طرف خود کارفرمایان و دولت با اهمال در انجام وظایف قانونی و برآورده نکردن مطالبات حداقلی کارگران، شرایط حرکت‌های اعتراضی را فراهم می‌کنند و از طرف دیگر با بگیر و ببند می‌خواهند این اعتراضات را خاموش کنند.

وی با بیان این مطلب که در شرایطی فیش‌های حقوقی نجومی مدیران در رسانه‌ها منتشر می‌شود که کارگران در آرزوی دریافت منظم حداقل دستمزد

هستند؛ افزود: ظاهراً هنوز اراده قوی برای برقراری عدالت وجود ندارد و ما تا کنون شاهد اقدام عملی برای زدودن این تبعیض‌ها نبوده‌ایم.

وی با بیان این مطلب که تنها انتشار رسانه‌ای فیش‌های نجومی کافی نیست، تاکید کرد: برای زدودن چهره بی‌عدالتی از اجتماع، قدرتمندترین ابزار، مشارکت مدنی مردم و دستمزدبگیران است و اگر کارگران و سایر طبقات دستمزدبگیر حق مشارکت در سرنوشت خود را داشته باشند، تبعیض و بی‌عدالتی تا این حد عمیق نخواهد شد.

این فعال کارگری ادامه داد: تا زمانی که کارگران نتوانند از مجاری قانونی مطالبات صنفی خود را پیگیری کنند و تا هنگامی که مکانیزم‌های قدرتمندسازی کارگران از جمله حق تشکل‌یابی مستقل در عمل محدود و ممنوع شود، انتظار عدالت بیهوده است.

وی بخش عمده‌ای از مشکلات فعلی کارگران را متوجه وزارت کار دانست و گفت: وزارت کار از ابزارهای در دست برای فشار بر کارفرمایان خاصی استفاده نمی‌کند، حتی هیچ اهمیتی برای اجرای قانون کار وجود ندارد.

وی افزود: کارفرمایانی که قرار نیست به هیچ نهاد، مرجع و ساختاری پاسخگو باشند حاضر به مذاکره با کارگران هم نیستند و به راحتی پای ضابطان قضاییه را به میان می‌کشند و جالب اینجاست که در رسیدگی به چنین پرونده‌هایی بدون آنکه به شرایط ناعادلانه کارگران توجه شود رای به محکومیت کارگران داده می‌شود.

«سندیکاهای کارگری برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چندماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، می‌کوشند»

رئیس انجمن صنفی پایانه‌های باربری قزوین:

نارضایتی رانندگان حمل بار از پرداخت هزینه اضافی



«سید جلال موسوی» کارگر شاغل در صنعت حمل و نقل بار می‌گوید: شرکت‌های مستقر در پایانه‌های باربری بابت هزینه کمیسیون مبالغی بیش از آنچه که در قانون مصوب شده است را از رانندگان دریافت می‌کنند.

«سید جلال موسوی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: طبق قانون الزام شرکتها و مؤسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه، شرکت‌های باربری مستقر در پایانه‌های حمل بار سراسر کشور باید از رانندگان کامیون‌ها و تریلی‌های حمل بار معادل ۸ تا ۱۰ درصد ارزش بارنامه به عنوان حق کمیسیون دریافت کنند.

وی ادامه داد: این در حالی است که هم اکنون در شمار قابل توجهی از پایانه‌ها شرکت‌های حمل بار دستکم تا ۳۰ درصد ارزش بارنامه را از رانندگان دریافت می‌کنند.

مسئول انجمن صنفی رانندگان حمل بار استان قزوین ادامه داد: از آنجا که این وضعیت نتیجه فقدان نظارت بر عملکرد شرکت‌های باربری است، در نتیجه هم اکنون برای رانندگان خودروهای سنگین حمل بار هزینه تمام شده جایجایی بار افزایش چشمگیری یافته است.

موسوی افزود: در نتیجه این وضعیت باعث شده است تا رانندگان و صاحبان خودروهای سنگین حمل بار به دلیل مشکلات مالی ناخواسته از رسیدگی به مسائل بیمه‌ای و فنی خودرو غافل شوند.

وی ادامه داد: به دلیل اهمیت حیاتی مسائل بیمه‌ای و فنی خودروهای حمل بار رانندگان این خودروها تاکنون چند بار نسبت به وضعیت پیش آمده معترض شده‌اند که نمونه مهم آن اعتراض صنفی گروهی از رانندگان در پایانه حمل بار بندرعباس بود.

موسوی بابیان اینکه با وجود بازتاب این مسئله به مقامات مسئول هنوز مشکل بالا بودن هزینه کمیسیون برای آنها یک دغدغه مهم است؛ افزود: البته اعتراضات مطرح شده تا این لحظه برای تعدادی از رانندگان منشاء گرفتاری‌هایی شده است.

وی که پیش از این مسئولیت انجمن صنفی پایانه باربری بندرعباس را برعهده داشته است ادامه داد: این وضعیت در حالی است که مطابق قانون الزام شرکت‌های حمل و نقل، سازمان مرکزی پایانه‌های باربری موظف است تا شرکت‌هایی را که از راننده بیش از حد مجاز هزینه دریافت می‌کنند را از طریق اعمال جریمه و لغو از ادامه مسیر طی شده منع نماید.

من رییسم!!



من رئیس بانک هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا سیستمی طراحی کنم که تو برای ده میلیون وام صد بار بیایی و بروی.

من رئیس بیمه هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا صدها داروی ضروری و گران قیمت را از فهرست بیمه حذف کنم.

من رئیس امور بازنشستگان هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا چند میلیون پاداش بازنشستگان را صدها روز به تأخیر بیندازم.

من رئیس امور استخدامی هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا با ترفندهایی مختلف مانع استخدام جوانان متخصص بشوم.

من رئیس بیمه کارگران هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا حق بیمه میلیون‌ها کارگر را در بازی‌های اداری گم‌وگور کنم.

من رئیس خودروسازی هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا خودروی ۶ میلیونی را به قیمت ۳۰ میلیون به میلیون‌ها نفر قالب کنم.

من رئیس رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها و تبلیغات هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا ده‌ها میلیون نفر را قانع کنم که می‌شود با حقوق یک میلیونی هم زندگی کرد.

من رئیس اقتصاد هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا برنامه‌هایی طراحی کنم که چند میلیون نفر همیشه هشت‌شان گروی نه‌شان باشد.

من رئیس مسکن‌سازی انبوه هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا بدترین ساختمان را در بدترین منطقه با کمترین امکانات به بالاترین قیمت به صدها هزار نفر قالب کنم.

من رئیس امور اداری هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا ترفندهایی بسازم که صدها هزار نفر برای ساده‌ترین کار اداری میلیون‌ها برگ کپی و مدرک بیاورند و صدها ساعت در راهروهای ادارات سرگردان بشوند.

من رئیس محیط زیست و مراتع ملی هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا کوه‌ها و جنگل‌ها و مراتع به شهرک و کارخانه و ویلا بدل بشوند.

من رئیس بیمارستان هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا برای پرستاری از بیمار به جای استخدام پرستار متخصص، همراهان بیمار را وادار به‌کار کنم.

من رئیس کنکور بازی و آزمون‌سازی هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا میلیون‌ها جوان را سرگرم تست و رتبه و کارنامه کنم و گردش مالی نجومی تجارت کنکور را رونق ببخشم.

من رئیس ورزش هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا میلیاردها تومان بودجه دولتی ورزش به جیب دلال‌ها و کارچاق‌کن‌ها برود.

من رئیس داروی مملکت هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم، تا داروخانه دار به تو بگوید دارو نداریم و برو از دلال دارو بخر.

من رئیس دانشگاه‌های مملکت هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا دانشجو و استاد، مقاله و پایان‌نامه خرید و فروش کنند.

من رئیس جراحی هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا فرمی را طراحی کنم که تو هنگام جراحی عزیزانت تعهد بدهی که اگر زیر عمل بلایی سر بیمارت آمد اعتراض نکنی که هیچ! تشکر هم نکنی.

من رئیس قانون کار و بیمه هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا با ظرافت تمام، سیستمی را طراحی کنم که تو و فرزندانت سال‌ها کار کنید و قراردادی و موقت باشید و حق بیمه و بازنشستگی نداشته باشید.

من رئیس مادرزاد هستم. حقوق صد میلیونی می‌گیرم تا بگویم که برای ادای تکلیف و شوق خدمت به ارزش‌های انقلاب، رئیس شده‌ام و فرزندان من و تمام بستگان سببی و نسبی من هم برای ادای تکلیف (حتا پیش از رسیدن به سن تکلیف) رئیس خواهند بود. فرزندان مردم هم فعلا بیکار بچرخند و صبر کنند تا از این شرایط خطیر و برهه حساس بگذریم، بعد بیایند در آزمون‌های استخدامی ثبت نام کنند ببینیم تقدیرشان چیست؟

دکتر اسماعیل امینی شاعر، طنز پرداز و مدرس ادبیات

منبع روزنامه همشهری ۲ تیر ۱۳۹۵

دوستان خوب کارگر، چنانچه کسانی در رابطه با موضوعات کارگری اعم از دستمزد، مزایای کارگری، امنیت شغلی، اخبار کارگری، مقالات کارگری و هرگونه سوال در مورد سندیکای فلزکارمکانیک و سندیکاهای کارگری دارند می توانند در صفحه خصوصی تلگرام سندیکای کارگران فلزکارمکانیک با ما تماس گرفته گفتگو کنند. لینک تلگرام سندیکای فلزکارمکانیک

https://telegram.me/joinchat/FCgVhJ\KnfW4_HH2sghT

جهت اطلاع از اخبار روز کارگری و رویدادهای کارگری و بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات اجتماعی کارگران در...سایت اینترنتی و دوزبانه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به آدرس sfelezkar.com و فیسبوک سندیکا تعقیب کنید. به ما بپیوندید تا از حقوق کارگريمان دفاع کنیم و سفره هایمان را رونقی بخشیم .

«سندیکاهای کارگری برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، می کوشند» «سندیکاهای کارگری برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چندماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، می کوشند.» «سندیکاهای کارگری برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان، ورزش رایگان و همگانی، طبق قانون اساسی می کوشند.»

هرکارگری میتواند به سه روش مختلف به سندیکاها یا انجمنهای صنفی مستقل کمک کند. ۱- در فعالیتهای مستقیم سندیکاها وارد شود ۲- فقط تبلیغات سندیکایی کند ۳- فقط حق عضویت بدهد. اما سندیکالیست قدرتمند کسی است که هر سه را باهم انجام دهد. اما بعضی کارگران بنا به محدودیتهای خود یکی از موارد را هم انجام دهد بسیار خوب است زیرا نشان میدهد که کارگر دانایی است و دیگر نمی خواهد زیر بار ستمگران زورگو قرار داشته باشد. افشینی کارگر فلزکار

در راه آهن سراسری چه می گذرد؟

با سرکوب وحشیانه اعتراضات کارگری، به دنبال خصوصی کردن اموال ملی و تحمیل قراردادهای موقت، قراردادهای روزانه، سفید امضاء به کارگران، سرمایه داری بهره‌کشی از کارگران را به پیش می‌برد. به عنوان نمونه، اخیراً موسوی‌نژاد، مدیر عامل شرکت حمل و نقل ریلی رجاء گفت، "یکی از سیاست‌های محوری رجاء، راهبری قطار توسط شرکت‌های خصوصی است... قراردادهای تعمیر و نگهداری حجمی نیست... ممکن است پیمانکاران کارگران را مجبور به امضای قراردادهای سفید کنند." (خبرگزاری ایلنا، ۲۴ فروردین ماه ۹۵). در پاسخ به پرسش خبرنگار "مبنی بر عدم پرداخت دستمزد اسفندماه حدود ۶۰ درصد کارگران پیمانکاری رجاء"، موسوی‌نژاد گفت، "اگر کارگران پیمانکاری فقط مطالبات مزدی اسفندماه را دریافت نکرده‌اند بسیار هم خوب است و در واقع وضعیت این کارگران نسبت به متوسط شرکت‌های پیمانکاری کشور بهتر است." در رابطه با اخراج کارگران پیمانکاری، موسوی‌نژاد گفت، "تعدیل‌ها مربوط به پیاده سازی استانداردهای جهانی است." در رابطه با طرح همسان سازی حقوق و مزایای پرسنل رسمی و قراردادی نیز، موسوی‌نژاد گفت، "رجاء مسئولیتی در قبال همسان سازی ندارد."

این اظهارات نشان دهنده این است که آقای موسوی نژاد دستورات صندوق بین المللی پول را به خوبی یاد گرفته و به اجرا می‌گذارد. اگر هم چندماه حقوق نگیرند فکر می‌کنید باز هم از این حرفها بزنند؟

سندیکاهای کارگری مخالف خصوصی سازی هستند. باید با تربیت مدیران لایق و کارآمد از جوانان کشور به راه اندازی صنایع ورشکسته همت گماشت. مدیران لایق و ضد فساد در ایران کم نیستند اما آنان در دایره دزدان نمی‌گنجند.



زندگی رویا نیست

زندگی زیبایی ست

می توان

بر درختی تهی از بار ، زدن پیوندی

می توان در دل این مزرعه ی خشک و تهی

بذری ریخت

می توان

از میان فاصله ها را برداشت

دل من با دل تو

حمید مصدق

هر دو بیزار از این فاصله هاست...

کیارستمی از دست رفت و فاجعه در بیمارستانها ماند!

دکتر افسانه نگاهی

در روزهای قبل از فوت فیلمساز نامی ایران "کیارستمی" در محافل هنری و پزشکی صحبت از اشتباهات پزشکان در عمل جراحی ایشان بود که حالا پس از درگذشت ایشان، این صحبت ها جدی تر مطرح می شود. من بعنوان یک پزشک متخصص بیماری شناسی، تنها می خواهم درباره نخ بخیه بنویسم. از مرگ خاموش بیمارانی که قربانی وضعیت اسفبار بهداشت در بیمارستانهای ایران هستند. از آلودگی بیمارستان های تهران، از داروها و مواد بهداشتی مرموزی که معلوم نیست از کجا و با چه کیفیتی وارد مملکت می شوند. از روزی می نویسم که ۱۲ بیمار جراحی می شوند با نخ بخیه وارداتی که معلوم نیست از کدام راه و چاه وارد ایران شده و بیماران از عفونت ناشی از عمل جراحی با سینه باز پس از جراحی به بخش عفونی منتقل می شوند.

کیارستمی قربانی این فاجعه جاری در بیمارستانهای ایران شد. او نیز از این آلودگی و نخ های بخیه بی نصیب نماند. من وارد این بحث نمی شوم که کیارستمی گرفتار سرطان شده بود یا خیر. بحث من درباره قربانیان گمنام چنین وضعی در بیمارستانهاست.

همین نخ های بخیه جوش نمی خورند و عفونت پی آمد رایج پس از عمل است. در حالیکه عمل جراحی پیشرفته از نخ بخیه گذشته و به چسب های مخصوص بخیه رسیده است.

کیارستمی از پس عواقب پس از عمل جراحی درگذشت، حتی اگر سرطان روده داشت. هزاران انسان مبتلا به سرطان عمل جراحی می شوند و از بیمارستان بیرون می آیند و سالها زندگی می کنند.

من می خواهم از قربانیان گمنام بنویسم. قربانیان بیمارستان های آلوده. یکی از دلائلی که فرد جراحی شده را در کوتاه ترین مدت حتی از بخش مراقب های ویژه مرخص می کنند تا بقیه دوران درمان خود را در خانه و یا خارج از بیمارستان باشد پرهیز و فاصله گیری از بیمارستان است. حتی در پیشرفته ترین کشورها و مجهزترین بیمارستان ها. آنوقت شما تصور کنید سرانجام بیمار جراحی شده در بیمارستان های بشدت آلوده ایران را.

داروهای آنتی بیوتیک امریکایی اروپایی وارد کردند و توانستند او را تا اندازه ای از عفونت نجات دهند ولی عفونت بیمارستانی پس از جراحی به سادگی قابل مهار نیست. بر اثر عفونت چند عمل جراحی دیگر هم برای مهار عفونت ها روی او انجام دادند که هر یک وضع او را بدتر کرد. وقتی به پاریس رسید که به آخر خط رسیده بود.

وقتی سود ارزش هر چیزی را تعیین کند آن هم در موضوع پزشکی و جان انسانها، بی تردید چنین فاجعه ای رخ خواهد داد.

سندیکاهای کارگری خواهان رایگان شدن بهداشت طبق قانون اساسی در تمامی سطوح پزشکی است

جان انسانها نباید در معرض تجارت قرار گرفته و با بی مسوولیتی، بی لیاقتی، و عدم مدیریت مواجه باشد.

نظارت شدید سازمان های مردم نهاد در تمامی دنیا و کشورهای سرمایه داری از اصول بنیادین است.

تحریریه پیام سندیکا



آره ننه جون....

پول هاتو به بانک هایی که مدیراش ماهی چهارصد میلیون حقوق و پاداش
می گیرن نسپار !

هم بهره به مردم می دن و هم کلی ازش می دزدن.

تفاوت اندیشه ها و عملکردها

گفتگوی مجله ژاکوبن با جرمی کوربین رییس حزب کارگر انگلیس

زمانی فردی از من پرسید: «تو انگار اصلاً اهل جاه‌طلبی نیستی.» من پاسخ دادم «البته که هستم، یک جاه‌طلبی بسیار بزرگ دارم.» پرسید: «خب جاه‌طلبی تو چیست؟» و من برایش گفتم که «برای همه خانهای وجود داشته باشد»

هزینه های بانک شهر متعلق به شهرداری تهران

سوخات اخبار @sarkhatteakibar		بانک شهر (شرکت سهامی عام) پاداداشت های توضیحی صورتهای مالی سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۳		بازار سرمایه
۳۹-۲- اقلام تشکیل دهنده هزینه های اداری، عمومی و تشکیلاتی شرح زیر می باشد: (مبالغ به ریال)				
شرکت اصلی		گروه		
سال ۱۳۹۲	سال ۱۳۹۳	سال ۱۳۹۲	سال ۱۳۹۳	
۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	-	۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	-	هزینه صندوق ضمانت سپرده
۱۳۳,۳۳۸,۵۶۱,۵۵۴	۳۳۷,۰۷۷,۱۸۹,۰۳۳	۱۳۶,۴۷۱,۱۸۱,۱۲۱	۳۸۱,۸۷۲,۰۸۷,۳۸۸	آگهی و تبلیغات
۱۰۱,۷۳۳,۹۵۵,۰۰۷	۲۴۶,۱۳۰,۵۲۰,۴۰۹	۹۸,۹۵۱,۹۶۶,۸۳۸	۳۸۰,۸۲۹,۰۹۷,۱۰۳	استعلام دادارتهای
۳۳۵,۳۳۶,۵۲۳,۹۳۵	۲۴۳,۶۰۶,۷۷۷,۳۳۳	۲۴۸,۵۰۸,۱۸۲,۸۲۴	۲۹۷,۴۳۹,۶۰۷,۸۶۱	اجاره املاک
۱۱,۷۳۵,۹۰۰,۱۶۴۳	۱۷,۲۱۹,۶۰۰,۱۳۷	۱۲,۵۷۸,۰۱۲,۵۹۶	۱۸,۴۵۶,۹۳۰,۶۹۶	خدمات قراردادی
۱۷۴,۰۶۸,۶۰۵,۱۱۱	۱۷۸,۳۳۶,۰۴۲,۷۰۶	۱۴۵,۱۲۷,۲۹۰,۷۴۳	۱۱۴,۱۴۵,۱۵۶,۴۲۸	تعمیرات و نگهداری داراییها
۱۲,۹۸۸,۱۲۰,۳۵۴	۲۶,۶۵۱,۷۵۶,۰۰۳	۱۴,۱۸۵,۹۷۵,۴۴۰	۳۰۰,۰۰۰,۱۱۴,۴۲۸	آب، برق و تلفن
۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۴,۹۹۱,۴۵۰,۳۱۶	۱۱,۹۷۶,۴۴۵,۷۷۱	پاداش حیات مدیره
۱۴۱۵۶,۰۰۷,۰۰۰۰۰۲	۲۱۶,۸۷۹,۸۷۹,۹۷۴	-	-	هزینه خدمات الکترونیک
۳۸,۵۷۷,۱۶۱,۴۳۸	۶۵,۳۰۸,۳۰۲,۱۷۹	۳۱۸,۰۸۷,۸۱,۷۵۶	۷۰,۹۳۲,۷۱۶,۳۸۰	ملزومات مصرفی
۶,۱۴۳,۲۲۹,۴۵۳	۲۱,۳۳۲,۶۶۹,۶۱۳	۶,۱۹۳,۲۲۹,۴۵۳	۲۱,۳۳۲,۶۶۹,۶۱۳	برگزاری مسابقات
۷,۳۳۳,۳۳۲,۷۶۱	۱۰,۱۵۵,۷۳۵,۰۸۲	۷,۶۶۸,۹۷۳,۰۰۷	۷,۰۱۵,۰۰۲,۴۰۱	چاپ، مطبوعات و فرمها
۵,۶۳۳,۲۱۵,۰۷۹	۸,۹۱۹,۳۰۰,۰۰۰	۵,۶۳۳,۲۱۵,۰۷۹	۱۲,۹۹۱,۰۰۵,۳۷۷	ایاب ذهاب شهری
۴,۰۶۴,۴۴۸,۳۳۶	۷,۶۳۰,۳۰۹,۴۳۷	۳,۰۹۰,۰۹۵,۰۶۴	۷,۶۳۵,۸۲۵,۴۶۹	بیمه های تکمیلی و پوششی
۴,۰۷۳,۴۴۲,۵۹۴	۸,۰۶۷,۳۵۴,۴۷۰	۶,۰۹۵,۲۳۰,۵۶۷	۱۷,۷۷۵,۸۴۵,۸۷۵	بیمه و عوارض حادثه ها
۱۴,۸۲۵,۵۰۸,۹۰۴	۳۹,۶۵۴,۵۲۳,۴۷۲	۱۵,۱۸۷,۷۱۱,۷۳۷	۴,۰۵۳,۵۸۸,۰۰۰	آبدارخانه و پذیرایی
				اشتراک اینترنت و مخابرات

هزینه ابدارخانه و پذیرایی بانک شهر در سال ۹۲ مبلغ ۶۰۹ میلیون و در سال ۹۳ مبلغ یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان شده است

هزینه پاداش به مدیران سال ۹۲ یک میلیارد و ۴۹۹ میلیون و در سال ۹۳ یک میلیارد و ۱۹۷ میلیون شده است



کارخانه ۸۴ ساله تصفیه شکر خام و قندسازی کرج با داشتن ۲۵۰ کارگر به صورت مستقیم و هزار نفر به صورت غیرمستقیم به دلیل نداشتن ماده اولیه شکر خام تعطیل شد.

آیا این کشور دیگر به شکر و قند احتیاج ندارد؟

هزار کارگر کرجی از این پس نانشان را چگونه و از راهی باید تهیه کنند؟

نماینده بی لیاقتشان هم در مجلس نفس نمی کشد.

چه کنند با دستانی خالی و در ماه رمضان با خانواده منتظرشان؟

بیکاری، سرقت، اعتیاد همزاد هم هستند

روزنامه شهروند، ۲۳ اردیبهشت‌ماه، به‌نقل از سیدحسن موسوی‌چلک، رئیس انجمن مددکاری ایران، می‌نویسد: "آمار زنان معتاد در مراکز ترک اعتیاد بیش از ۵ درصد در سال ۸۶ بوده که این میزان در سال ۹۰ بیش از ۱۰ درصد شده است." این برهه زمانی - یعنی از سال ۸۶ تا سال ۹۰ - همزمان با همان دورانی بوده است که تحریم اقتصادی‌ای وجود نداشت و درآمدهای نفتی هم نجومی بودند.

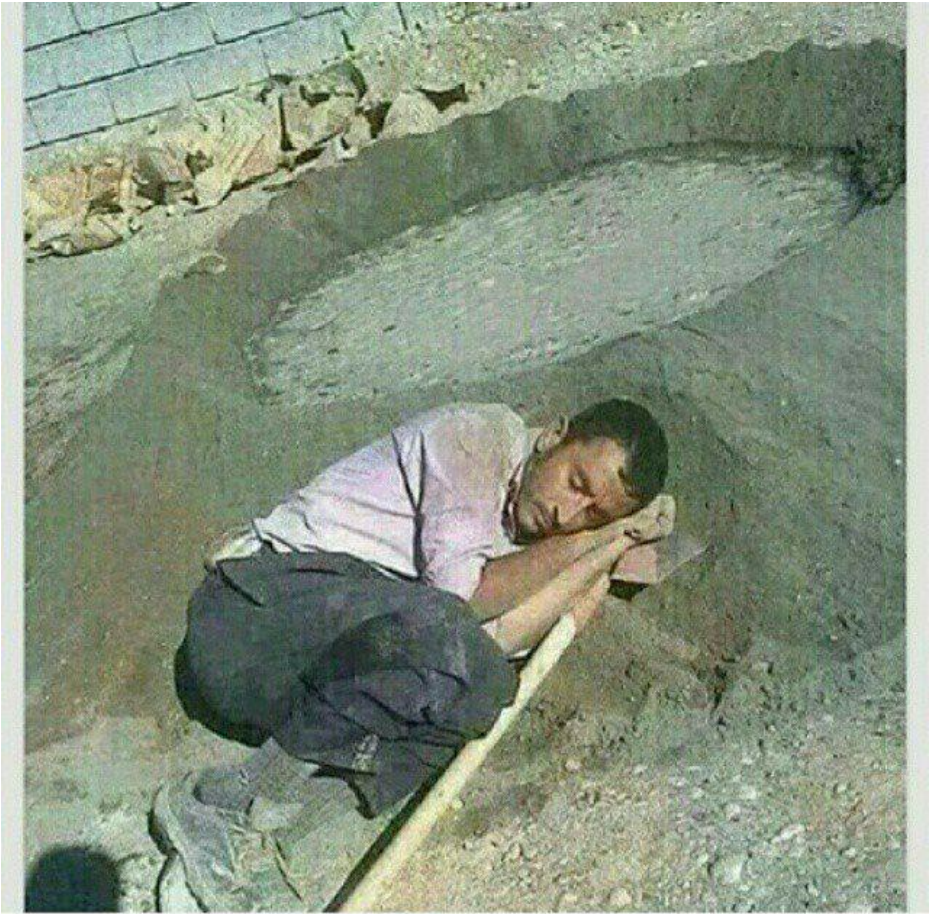
موسوی‌چلک در همین ارتباط به موردهای دیگر از جمله سن پایین بزه‌کاران و گسترش ایدز هم اشاره کرده است.

خبرگزاری ایلنا، ۲۲ اردیبهشت‌ماه، دستبرد به صندوق صدقات را گزارش کرده است و به نقل از مدیرکل اجرایی مشارکت‌های مردمی کمیته امداد می‌نویسد: "متأسفانه دستبرد یا هجمه ورود متکدیان [گدایان] به صندوق صدقات طی چند سال اخیر بسیار گسترده شده است.

متأسفانه در دو خبر بالا هیچکدام از این مسوولین نمی‌گویند چه اتفاقی افتاده که درصد اعتیاد در بین زنان رو به رشد است؟

و یا ریشه‌گذاری و متکدی‌گری در کجاست؟

سندیکاهای کارگری خواستار رفع معضل بیکاری به عنوان عامل اصلی اعتیاد و زدودن فقر از چهره جامعه هستند و این به عهده دولت است تا از ثروت عمومی چنین کاری را انجام دهد.



حاجی تاصبح قرآن به سرگرفت و گناهانش بخشیده شد

اما کارگر تن خسته و دل خسته بعد از افطار خوابش برد و گناههای امسالش
به گناههای سال قبلس اضافه شد

این است اعتقادات مردم سرزمین من

حسین پناهی

خوردنی‌هایی که روزه را باطل نمی‌کند و هیچ پیگردی ندارد؛

۱ - خوردن بیت المال

۲ - خوردن دارایی مردم در بانکها

۳ - خوردن مال مردم

۴ - خوردن حق من

۵ - خوردن حق شما

۶ - خوردن مال صغیر

۷ - خوردن مال یتیم

۸ - خوردن اندوخته‌های کارگران در سازمان تامین اجتماعی

۹ - خوردن ثروت مردم از سفره انقلاب توسط خانواده صفدرحسینی و دیگران

۱۰ - خوردن و بردن ثروت مردم ایران توسط خاوری متدین

۱۱ - خوردن ثروت مردم توسط بابک زنجانی، رضاضراب

۱۲ - خوردن چهار پنج نفتکش پر از سوخت

۱۳ - خوردن دکل حفاری نفت

۱۴ - خوردن حقوقهای میلیاردری، آقازاده‌ها و خانم زاده‌ها

لازم به تذکر است که خوردن آب و نان و حتی کشیدن یک نخ سیگار موجب ابطال روزه می‌گردد...



بلندشو ابر مرد ،

بلندشو و فیش حقوقیت را بیاور

سهم تو از هزارها میلیارد پول به تاراج رفته و فیش های حقوقی ۲۳۴
میلیونی مسئولین مملکت چقدر است؟



کولبرها در حال قاچاق واردات فریزر هایر به بازار سردشت.

قاچاق و کولبری تنها راه درآمد دهها هزار هموطن در کردستان و آذربایجان غربی و بلوچستان. چه کسی مقصر است؟ چه سیاستی به این قاچاق و کولبری دامن می‌زند؟ و پشت خمیده او سودش به جیب چه کسانی می‌رود؟

از حرف تا عمل

روزی مردی داخل چاله ای افتاد و بسیار دردش آمد.

یک روحانی او را دید و گفت: حتما گناهی انجام داده ای!

یک دانشمند عمق چاله و نمناکی خاک آنرا اندازه گرفت!

یک روزنامه نگار در مورد دردهایش با او گفت و گو کرد!

یک یوگیست به او گفت: این چاله و همچنین دردت فقط در یاد تو هستند در حقیقت وجود ندارند!

یک پزشک برای او دو قرص آسپرین پایین انداخت!

یک پرستار کنار چاله ایستاد و با او گریه کرد!

یک روانشناس او را تحریک کرد تا دلایلی را که پدر و مادرش او را آماده افتادن به درون چاه کرده بودند پیدا کند!

یک تقویت کننده اندیشه او را اندرز داد که: خواستن توانستن است!

یک فرد خوشبین به او گفت: ممکن بود یکی از پاهات رو بشکنی!

پیرمردی گذشت و دست او را گرفت و او را از چاله بیرون آورد!

آنکه می تواند، انجام می دهد و آنکه نمی تواند، انتقاد می کند.

جرج برناردشاو



وقتی دزد با چراغ آید، گزیده تر برد کالا

کلاهبرداری ۲۵ میلیارد تومانی در حرم حضرت عبدالعظیم توسط مدیر امور رفاهی آستان مقدس حرم!

دزد، دزد است. فقط شیوه دزدیش بر حسب امکانات جامعه فرق می کند! جا و مکان و طرف مقابل برایش مهم نیست!

وقتی مسولین قانون اساسی را زیر پا می گذارند!

واکنش معاون استانداری بوشهر به اعتراض های صنفی کارگرانی که ماه ها حقوق شان پرداخت نشده است:

”هیچ کس نباید به خودش اجازه دهد تحت عناوین مختلف اقدام به تشکیل تجمع کند“ . منبع: خبرگزاری دولتی ایرنا

اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی: تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها ، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.

جناب معاون نه قانون را خوانده است و نه دلیلی می بیند که آن را خوانده و اجرا کند. چرا که او گوش به فرمان کارفرمایان است. کارگران شهرداری اهواز نه سلاح داشتند و نه می خواستند در مبانی اسلام اخلاقی بوجود بیاورند. اتفاقا کارگران شهرداری و همه زحمتکشان خواستار اجرای یکی از مبانی اسلام که عدل است، هستند. و این آن اصلی است که همه حاکمان و چاکران تمامی تاریخ، از آن گریزانند. چرا که منافع فرديشان لطمه خواهد خورد. اما زحمتکشان به مبارزه برای اجرای عدل همچنان ادامه خواهند داد.

“منشور جهانی حقوق سندیکایی- حق اعتصاب؛ ماده ۴”

“حق اعتصاب یک حق سیاسی کارگران است. هر کارگر ، صرفنظر از حرفه اش ، حق دارد بدون هیچ گونه محدودیتی به حربه اعتصاب توسل جوید . کارگران و سازمانهای سندیکایی کارگری حق دارند در دفاع از منافع خود اعتصاب را سازمان دهند یا از آنها حمایت کنند. سازماندهی اعتصاب ، شرکت در اعتصاب یا تظاهرات به نشانی همبستگی نباید تحت هیچ عنوانی به دستاویز تنبیه ، جریمه یا هر عمل توییحی دیگر در باره کارگران ، چه به هنگام اعتصاب و چه بعد یا قبل از آن بدل شود.”

بزرگترین اختلاس جهان در فنلاند

وزیر بهداشت فنلاند، به دلیل کشف فساد مالی اش، مجبور به استعفا شد.

این وزیر فنلاندی به هزینه دولت، سه مرتبه با همسر خود، تماس تلفنی بین المللی برقرار کرده بود. این حادثه باعث خشم و عصبانیت افکار عمومی و مطبوعات فنلاند شد، چرا که این فرد با سوء استفاده از جایگاه خود به عنوان وزیر کابینه، با هزینه پرداختی توسط مالیات دهندگان فنلاندی، سه مکالمه بین المللی شخصی انجام داده بود.

این وزیر فنلاندی نه تنها استعفا کرد، بلکه پرونده ای برای وی در دادگاه تشکیل و مجبور شد هزینه این سه تماس تلفنی بین المللی را بپردازد.

فنلاند رتبه ۳ در برخورد با مفاسد اداری را داراست و ایران رتبه ۱۵۳ ...

طنز ماجرا اینجاست که رسائی، نماینده مجلس، از ایران برای تبلیغ اسلام به فنلاند سفر می کند، تا به آنها چگونه بهتر زیستن را بیاموزد.

همه مذاهب برای اجرای عدالت بوجود آمده اند. شعار بلال حبشی با سید قریشی برابر است را سالهاست آقایان به فراموشی سپرده اند و به نفع شان نیست که به یاد بیاورند.

عدالت حلقه مفقوده سیستم سرمایه داری است. و نماینده گان مجلس ایران و دیگر مسوولین بهتر است به فکر آباد کردن کشور خود باشند تا پند دهندگان به دیگران.

خبرآنلاین نوشت: قیمت دکل نفتی گمشده دوره احمدی نژاد معادل ۴۴۰ سال حقوق ۵۷ میلیونی صفدرحسینی است.



دخترخانم، سهم کارگران از سفره انقلاب چیست که بروند و بردارند؟ شاید به زعم ایشان سهم ما گرسنگی، بیکاری، شلاق، حقوق های عقب افتاده، داشتن کودکان کار، کارتن خوابی، شهید شدن در جنگ، زیرآوار ماندن از زلزله، مردن در هوای ناسالم.....بوده است و ما خبر نداریم؟

اشرافیت و پنهان شدن در پشت مافیای ثروت و قدرت برای منافع شخصی، امری است که در ایران امروز به موضوعی عادی برای مسوولین شده است. زحمتکشان همانگونه که شاهدگان پهلوی را بیرون راندند به این اشرافیت پنهان شده در باورهای مذهبی مردم، پاسخ کوبنده خواهند داد.

نتیجه اخلاق درسیستم سرمایه داری با رنگ و روی مذهبی و با تکیه بر مافیای زر و زور که سید محمود طالقانی، مهندس سبحانی، مهدی باکری، علی امید نماینده کارگران شرکت نفت در سال های ۱۳۲۵، علیرضا فرهادی سرباز ساده سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و ضد فساد، جواد مهران گهرکارگرسندیکایی و بیمه کننده کارگران کفاش، هدایت اله معلم کارگر سندیکایی فلزکار و جان داده در راه آرمان های کارگری بیرون نخواهد داد.

وظیفه جنبش کارگری و پیشگامانش

در وضعیت کنونی، اولین قدم جنبش کارگری می‌باید در راستای تقویت آگاهی از حقوق انسانی، اجتماعی و کارگری خود و بردن این آگاهی به میان زحمتکشان باشد. دومین قدم پیشروان جنبش به بازسازی بدنه جنبش سندیکایی آگاهانه اقدام کرده به همبستگی میان سندیکاهای کارگری بپردازند. و در همان حال، برای تقویت و تحکیم پیوند با دیگر گردان‌های جنبش مردمی، زنان، دانشجویان... باهدف اتحاد عمل فراگیر و ملی برضد اشرافیت، مافیای زر و زور و تبعیض و بهسود عدالت اجتماعی، آزادی و حق حاکمیت و استقلال ملی پیکار کند.

در دوران "پسابرجام" و اجرایی شدن برنامه‌های اقتصادی ضد مردمی، اولویت در همگانی کردن مبارزه صنفی و بازسازی بدنه جنبش سندیکایی زحمتکشان است. این وظیفه دشوار، در پرتو فعالیت خستگی‌ناپذیر و هوشیارانه و تلاش در مسیر اتحاد عمل در صف‌های جنبش سندیکایی کارگران و زحمتکشان میسر می‌شود.

هر ندای اختلاف و تفرقه جز به سود سرمایه سالاران حاکم نخواهد بود. با دور اندیشی و پرهیز از دامن زد به اختلافات با برگزاری نشست‌های اتحاد، بر هرگونه اختلاف و تفرقه پایان دهیم.

پیشکسوتان جنبش کارگری و سندیکایی در این برهه وظیفه سنگینی را به دوش دارند و باید در جهت هرچه همبسته‌تر کردن جنبش کارگری و سندیکایی ایثارگرانه پیشقدم شوند.

وقت تنگ است و سحر در می‌رسد

تحریریه پیام سندیکا

توده را همراه شو.



دیالوگی به یادماندنی از فیلم آژانس شیشه ای

به یاد فرزندان کشته شده زحمتکشان، که وظیفه پاسداری از حریم کشور کارگیشان را همیشه و به خوبی پاس داشته اند و در این راه کشته وطن گشته اند.

یادشان سبز و دل های غمبار خانواده هایشان به امید برقراری عدالت ،
فروزان باد. تحریریه پیام سندیکا

« نامه پوران ناظمی، دختر راننده اتوبوسی که باعث کشته شدن سربازان شده بود »

برای مردی که قربانی گناه دیگران شد

اگر پدر من بودی؟؟

همه جا صحبت از این است که تو باعث کشته شدن سربازان وطن شده ای میگویند سرعتت بالا بوده میگویند وقتی اعتراض کردند پرخاش کردی میگویند و میگویند و میگویند... نفرین میکنند فحش میدهند و لعنت میکنند هیچکس از اینکه کجایی و در چه حالی سراغی نمیگیرد همه نفرین و لعنت بر تو فرستادند اما هیچکس نپرسید چرا یکمرد ۷۰ساله باید در این سن کار کند؟؟ چرا در حالی که بیشتر همسالانت در پارکها نرمش میکنند تو باید چنین شغل سختی را انتخاب کنی کسی نمیپرسد تو چه مشکلاتی داشتی که هم تو وهم ما قبول کردیم.. نه قبول نه!! مجبور شدیم اجازه بدهیم هنوز هم در سفر باشی تمام کودکی هایم بی تو گذشت. همیشه تو درجاده بودی و من در کابوسهای شبانه ام تصادف میدیدم. بریدن فرمان، نگرفتن ترمز، دره و واژگونی. در رویاهایم اما میدیدم که برگشته ای از مدرسه میرسم و تو در حال بیحال و خسته در خوابی... رویا و کابوسهایم باهمه فرق میکرد.. چرا کسی نمیپرسد چرا فریاد کشیدی چرا کسی نمیفهمد مردی در سن تو که شرافتش، جوانمردی اش و نیازش هنوز در جاده ها سرگردانش کرده اهل خشونت نیست. سرعت شاید، میدانم تو اهل سرعت بودی همیشه مجبور بودی سریع باشی روزها زود میگذشت اگر سرعت نداشتی اجازه خانه و قسط و هزینه

درمان مادر. و جهاز خواهرم از تو جلو میزدند... باید سریع میرفتی تا شاید یکساعت زودتر برسی به دردهایت... پدر چرا هیچکس به ما تسلیت نگفت... چرا کسی نگفت این درد و عذاب بیش از تاب و طاقت تو هست.. مگر میشود بیادت بیاید و آتش نگیری مگر میشود؟؟؟ بابا همیشه رویایم بود وقتی به خانه میرسم در حال بیحال و خسته خوابیده باشی اما دیشب رویایم فرق میکرد در رویا دیدم تو هم مرده ای و اطرافت را همان سربازانی که همه تورا مسبب مرگشان میدانند گرفته اند تو سرت را با شرمندگی پایین انداخته بودی اما انها دستت را میگیرند میبوسند و میگویند پدر جان چرا تو؟؟ چرا تو شرمنده ای؟؟ تو فقط بدنبال لقمه ای بودی که از دهانت گرفتند، همانهایی که در ۷۰ سالگی بی هیچ بیمه و بازنشستگی رهایت کردند تا وقتی لازم بود گناه خطاهایشان را بر کرده ی تو افکنند... پدر دستت را میبوسم همان دستی که شاید خطاکار باشد اما گناهکار نیست همان دستهایی که تمام عمر در حسرت دستان من و خواهرم بود.. تا بحال شنیده ای فرزندی برای پدرش آرزوی مرگ بکند؟؟ پدر جبران تمام فداکاریهایت پدرا نه هایت خطاهایت و راستی هایت آرزوی مرگت است.. بمیر پدر بمیر تا عذاب این آتش را در دنیایی دیگر دستان مهربان و پسرانه ی همان سربازان خاموش کند.

سخت است... میفهمید سخت است!!!

پدرم را لعنت نکنید..

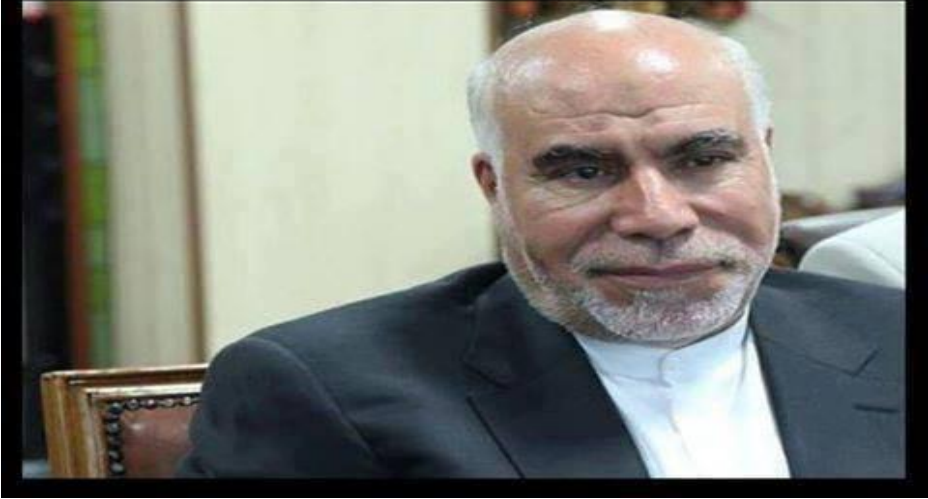
پدرم هم یک قربانی است...

قربانی ظلم و بیعدالتی!!!

پدر را لعنت نکنید

پوران ناظمی

**برای خریدن اتوبوسی که ترمز خالی نکنه
و بیست لیسانس و وظیفه رو نبره ته دره
حقوق یک ماه این مدیر خودی کافی بود**



سقز (کردستان) - فرهنگی بازنشسته

علم بهتر از ثروت نیست!

به این وسیله از تمامی دانش آموزان عزیزی که از سال ۵۲ تا ۸۲ به عنوان معلم انشاء در خدمتشان بودم و در این کلاس‌ها دانش آموزان را به نحوی راهنمایی می‌کردم که همیشه نتیجه بگیرند علم بهتر از ثروت است، با اوضاعی که در زندگی فرهنگیان بازنشسته می‌بینم، حرفم را پس می‌گیرم، چون به این نتیجه رسیده‌ام که علم بهتر از ثروت نیست! امیدوارم برای آنچه که قبلاً گفته بودم شاگردانم مرا ببخشند!

سراب (آذربایجان شرقی) - حمدلله نوراللهی، معلم بازنشسته



برگزاری افطاری، از نمایش تا واقعیت

هم سفره ای شدن استاندار خراسان جنوبی با فرزندان بهزیستی.

سوال: چند کودک در این تصویر میبینید!؟

به نام کودکان بهزیستی به کام مدیران شکم پرور.

از زنان سخت کوش پیام‌سازیم!



برخی بر این نظرند که مشاغل زنانه و مردانه ندارد و این تقسیم‌بندی‌ها بر اساس تبعیض است....



اولین پرواز با اولین خلبان بانوی کشور

مریم اشرفی اولین خلبان زن کشور، اهل کوهرننگ، اولین پرواز بین المللی
تهران - مالزی را انجام داد.



هر که فرهاد شود ، در ره عشق
همه کس در نظرش ، شیرین است
تهمت کفر به ، عاشق نزنید
عاشقی پاکترین ، آیین است

از کارگری تا فضانورد شدن



در ۱۶ ژوئن برابر با ۲۶ خرداد سال ۱۹۶۳ پرواز فضائی ای بوقوع پیوست که در آن برای اولین بار زن فضا نوردی به نام (والنتینا تروشکوا) شرکت نمود.

اولین زن فضانورد والنتینا ترشکوا در سال ۱۹۳۷ در روستای ماسلنیکوو در استان یاروسلاول در روسیه شوروی به دنیا آمد. در ۱۹۴۵ به مدرسه رفت ولی در ۱۹۵۳ مدرسه را ترک کرد و به تحصیلات خود از راه مکاتبه ادامه داد. در جوانی به پرش با چتر نجات پرداخت و نخستین پرش با چتر را در ۲۲ سالگی انجام داد. ابتدا در کارخانه تایر سازی کار می‌کرد. سپس به کارخانه پارچه‌های صنعتی یاروسلاول منتقل شد و کارگر بافنده بود. او نیز

مانند هزاران نفر دیگر برای رفتن به فضا ثبت نام کرد. سابقه او در چتربازی باعث شد تا در سال ۱۹۶۱ در گروه فضانوردان روسیه عضو شد و دوره کامل آمادگی برای پرواز در فضاپیماهای نوع «وستوک» را گذراند.

در تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۶۳ به عنوان اولین زن فضانورد و ششمین فضانورد جهان با سفینه وستوک-۶ از فرودگاه فضایی بایکانور به فضا پرواز کرد و بعد از دو شبانه روز و ۲۲ ساعت و ۵۰ دقیقه به زمین بازگشت.

بعد از پرواز، با این‌که به فعالیت در زمینه هوا-فضا ادامه می‌داد، اما بیشتر وقتش را صرف کارهای اجتماعی می‌کرد. یکی از حفره‌های کره ماه نیز به نام وی نامگذاری شده است. ترشکوا از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۷ در شمار گروهان فضانوردان قرار داشت. در سال ۱۹۶۹ گواهی آکادمی مهندسی-نظامی ژوکف در رشته «خلبان- فضانورد- مهندس» را دریافت نمود. در ۱۹۷۷ درجه دکتر علوم مهندسی را گرفت. او بیش از ۵۰ اثر علمی تألیف کرده است. علاوه بر این وی دارای عنوان ژنرال هوانوردی است.

آنچه که در این زنگینامه مهم است نه پرواز او به عنوان اولین زن بلکه ایجاد سیستمی که در آن موقعیت‌های پیشرفت برای انسانها به یکسان تعریف شده باشد و هر انسانی فارغ از موقعیت اجتماعی این امکان را داشته باشد که بتواند خود را در موقعیت برابر برای هر اقدامی ببیند.

سندیکاهای کارگری که والنینا ترشکوا در آن عضویت داشت و توانسته بود با مبارزات خود دومین حکومت کارگری در جهان را بنا نهد، در این امر بی‌تأثیر نبود.

سندیکاهای کارگری در هر سیستمی با استقلال خود از حاکمیت می‌تواند برای زندگی بهتر، آموزشی رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان،..... و مبارزه با فساد، خودکامگی، ارتقا سطح فرهنگی جامعه بکوشد.

عمر کوتاهی دارد این زن بزرگوار ، شاید در همین روزا با زندگی وداع خواهد کرد ، بعد از اینکه نزدیک به ۳۵ کیلو از وزن خود در بستر بیمارستان کم کرده و حال چندان خوبی ندارد . درسی که این خانم هنرمند به بعضیها داد نباید از یاد برد . و اون کسی نیست جز (آنجلینا جولی)



فهرست برخی از کارهای ایشان :

پرداخت ۳ میلیون دلار به مؤسسه

بر طرف کردن بحران (۲۰۰۴)

پرداخت ۲ میلیون دلار به مؤسسه دارفو (۲۰۰۶)

پرداخت ۴ میلیون دلار به مؤسسه کمک به گرسنگان کونگو (۲۰۱۰)

پرداخت ۲ میلیون دلار کمک به سبیلزدگان وینزویلا (۲۰۱۰)

پرداخت ۲ میلیون دلار به سازمان حمایت از کودکان جهان (۲۰۱۱)

پرداخت ۳ میلیون دلار به سازمان پزشکان بدون مرز (۲۰۱۲)

پرداخت ۵ میلیون دلار به بیماران کشورهای آفریقایی (۲۰۱۲)

پرداخت ۲ میلیون دلار به سازمان مبارزه با ایدز (۲۰۱۳)

و پرداخت نزدیک به سی میلیون دلار دیگر به مؤسسات خیریه در

کشورهای جهان از سال ۲۰۰۳ تا کنون . و تا حالا شش کودک از

کشورهای جهان سوم با قومیت و ادیان مختلف به فرزندپذیری پذیرفته

که آخرین اونها کودک سه ساله سوری بنام موسی که همه اعضاء

خانواده اش در جنگ از دست داده و در اردوگاه بی پناه بود .

جالبه که افراد زیادی هستند که ثروت بیشتری دارند و ادعای مسلمانی

هم دارند و این خانم رایک فاحشه و بی حیا و سکسی در فیلمهاش میدونند .

سوال اینه که ؟

هنرمندان کشورهای اسلامی و به خصوص هنرمندان عربی مگر کم

ثروت دارند چه کردند ؟ نمونه خانم احلام خواننده اماراتی بیش از

دو برابر ثروت آنجلینا دارد . وقتی ماجرای پذیرفتن کودک سوری از طرف

آنجلینا را شنید در صفحه خودش نوشته بود از اینکه این کودک مسلمان

توسط غیر مسلمان تربیت میشه نگرانم .

بگو وقتی قیمت یکدست لباس یک میلیون دلار وانگشترت نیم میلیون دلار

باشه و بفکر کودکان مسلمان عرب نباشی چرا نگرانی ؟

و کسانی دیگر و یا کنفرانس اسلامی وقتی جلسه میگیرند برای چه ؟

خون قاراخانیان مبارز خستگی ناپذیر سندیکای کارگران کفاش تهران



جنبش سندیکایی کارگران و زحمتکشان میهن ما طی دوران‌های مختلف حیات خود فراز و فرودهای بسیاری را از سر گذرانیده است. در این تاریخ پُر افتخار، همواره کارگران و کوشندگان سندیکایی صنوف به دلایل مشخص تاریخی، نقش و جایگاه برجسته‌ای داشته‌اند. از نخستین سال‌های آغاز جنبش سندیکایی کارگران تا به امروز سندیکاهای صنوف همواره به مثابه بخش پُر تحرک و فعال حضور داشته‌اند و مسئولیت‌های مهم تاریخی را بر عهده داشته و دارند. فعالیت سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه در این میان بویژه در سال‌های دهه بیست و سی خورشیدی و سپس پنجاه و شصت جایگاه با ارزشی به خود اختصاص می‌دهد.

هنگام معرفی کوشندگان جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما، نکته‌ای که به شکل بسیار آزار دهنده و دردناکی خودنمایی می‌کند، کمبود اطلاعات کافی در مورد زندگی و پیکار کارگران شجاع و فداکاری است که با رنج و خون خود در پیشبرد مبارزات کارگری قدم برداشته‌اند. در مورد رفیق کارگر خورن قاراخانیان نیز ما کمترین اطلاعات را از زندگی و مبارزه او در دست داریم. تاریخ و محل تولد این کوشنده کارگری معلوم نیست. او به مانند بسیاری از کارگران و زحمتکشان ارمنی در سال‌های دهه بیست خورشیدی با کسب آگاهی طبقاتی به سندیکای نوپای کارگران کفاش پیوست.

حرفه او کفاشی بود و به عنوان یک کارگر کفاش در سال‌های دهه بیست خورشیدی یعنی هنگامیکه شورای متحده مرکزی صف‌های جنبش سندیکایی را متحد و سازماندهی کرده بود، در فعالیت سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه نقش داشت. در سال‌های پایانی دهه بیست، خورن قاراخانیان بنا به مسئولیت‌های خود در سندیکای کارگران کفاش تهران و حومه همراه با رفیق اسداله کاریجانی در تقویت رابطه میان کارگران و سندیکاهای صنوف بسیار فعال بود.

در سال ۱۳۳۱ نقش او در گسترش فعالیت سندیکای کارگران کفاش بسیار برجسته بود. تجهیز و تقویت صف‌های کارگران صنوف و سازماندهی و بازسازی سندیکاهای کارگری صنوف مانند سندیکاهای کارگران نانوا، خیاط، کفاش، اغذیه‌فروشی‌ها و نظایر آن از وظایف پُر اهمیتی بود که با فعالیت شبانه روزی خورن قاراخانیان و رفقای او میسر می‌شد. برقراری رابطه منظم و سازمان یافته میان سندیکاهای کارگران صنوف و ارتباط محکم با سندیکاهای کارگران واحدهای بزرگ تولیدی و کارخانه‌ها و تحکیم موقعیت جنبش سندیکایی کارگران در معادله‌های سیاسی و اجتماعی از مسئولیت‌های کارگر فداکار سندیکایی خورن قاراخانیان بود.

این کوشنده کارگری پس از کودتای ۲۸ مرداد با وجود آنکه مورد پیگرد قرار گرفت و مجبور شده بود از محل اصلی شغل خود در کفاشی‌های منطقه راه آهن و بازار کفاشان تهران دور باشد، در سازماندهی و تشکیل کمیته ۹ نفره

فعالین سندیکایی صنوف کفاش نقش بارزی ایفا کرد. او در جریان اعتصاب کفاشان در سال ۱۳۳۳ یعنی پس از کودتای انگلیسی - آمریکایی ۲۸ مرداد، از هدف‌های اصلی فرمانداری نظامی محسوب می‌گردید و به این دلیل از سوی مأموران تحت تعقیب قرار داشت. طی مدت کوتاه پس از کودتا مجبور شده بود برای امرار معاش در یک دکه کفاشی مشغول به کار

شود (این دکه در منطقه بهجت آباد تهران یا ویلا که آن زمان بیابان و خارج از شهر محسوب می‌شد، قرار داشت). پس از اعتصاب کفاشان در سال ۱۳۳۳، خورن قاراخانیان بنا به شم کارگری خود و فرار از تور گزمگان فرمانداری نظامی کمتر به بازار کفاشان سر می‌زد.

سرانجام در سال ۱۳۳۴ خورشیدی، این کارگر قهرمان که از قبل توسط خبر چینان و همدست و همکار فرمانداری نظامی شناسایی شده بود، توسط مأموران شهربانی مورد هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.

فرمانداری نظامی برای پنهان ساختن اقدام تروریستی خود، “پاره شدن بند اسلحه یک پاسبان” را علت اصابت گلوله به او گزارش دادند. اما در حقیقت این کوشنده کارگری پس از شناسایی توسط فرمانداری نظامی ترور شد.

نام خورن قاراخانیان با افتخار در صفحه‌های جنبش کارگری میهن ما ثبت و حک شده است. درود و افتخار همیشگی بر او.

« منشور حقوق سندیکایی کارگری »

کارگران حق دارند سندیکاهای کارگری تشکیل دهند ، به سندیکاهای موجود بپیوندند و بی آنکه اجازه یا نظارت مقامات دولتی یا کارفرمایان لازم باشد ، در هر فعالیت سندیکایی شرکت کنند .

ماه عسل علی خانی به مذاق چه کسانی شیرین است؟

در برنامه ماه عسل ۱۳ تیرماه که از شبکه ۳ قبل از افطار پخش شد، مهمانانی از کارگران تاورکین کار، معدن زاگرس مرکزی، جوشکاران زیر آب داشت.

راننده تاور گفت که به دلیل فقر از ۱۵ سالگی راننده تاور بوده و ۱۵ سال است که در ارتفاع بیش از ۱۰۰ متری گاه ۲۰ ساعت کار کرده است. دستمزدش کمتر از ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان و بیشتر بستگی به کرم مهندس دارد.

کارگر معدن زاگرس مرکزی از کار سخت و طاقت فرسا و دستمزدهای وزارت کاری گفت. و آرزو کرد که معدن دوباره فعال شود تا جوانان منطقه به جای اعتیاد، کار کنند و خانواده تشکیل بدهند.

دو جوشکار زیر آب شرکت نفت که مخصوصا غواصان صنعتی نامیده می شدند، از سختی کار و ندیدن همسر و فرزند به دلیل پروژه ای بودن کارشان و اینکه دستمزدی که می گیرند هیچ تناسبی با کارشان ندارد، گفتند.

اینکه علی خانی بعد از سالها برنامه ساختن ناگهان به یاد کارگران افتاده و در جمله آخر برنامه موضوع تفاوت زندگی و دستمزد راننده تاورکین را که در ارتفاع ۱۰۰ متری کار می کند و کسی که در همان ارتفاع در برجی با هفتاد برابر حقوق این کارگر، روزگار می گذراند را به عهده تماشاچیان می گذارد، جای تعجب و حرف دارد.

آیا او مبلغ یک میلیارد و ۲۰۰ هزار تومان دستمزدش را در آن هنگام به یاد نیاورد و خود را با این راننده مقایسه نمود؟

علی خانی آیا خود در یکی از این برج ها زندگی نمی کند؟

توفان افشای فیش های حقوقی، این روزها به علی خانی ها فرصتی داده تا از این نمد برای خود کلاهی دست و پا کنند.

آیا این دعوت برای آن نیست که جناحی علیه جناح دیگر شاخ و شانه بکشد؟

دلچک هایی چون او را سرمایه داری برای آدرس عوضی دادن به مردم سالهاست به خدمت گرفته تا از ثمره رنج کارگران، میلیاردری حقوق بگیرند و خاک به چشم مردم بپاشند.

برو این دام بر مرغ دگر نه

که عنقا را بلندست آشیانه

مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک



اینجا ایران است.
 دختری مثل دختر من، دختر تو و همه مردم سرزمینم!
 در خیابان ولیعصر تهران
 فیش حقوقی اش هم تو پلاستیک هست کنارش: غذا برای امشب!



چاه های نفت زیر پایم .. هیزم نامم بر پشت

چشم به کدامین افق بدوزم .. در کشوری که سر هر کوچه اش
صندوقی برای یاری به من است، اما من در فقر می سوزم!